

باسمه تعالی

بسته سیاستی مهار تورم با تاکید بر سیاست مناسب ارزی

(دلایل و راهکارها)

حسین صمصامی

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

و نماینده مردم تهران، اسلامشهر، ری و شمیرانات و پردیس

1403/5/17

## فهرست :

صفحه

3		مقدمه :
4	ارز و تورم (مشکلات ساختاری اقتصاد ایران)	بخش اول :
16	راهکار	بخش دوم :
30	صفحاتی از برنامهٔ تعدیل اقتصادی مصوب اسفند 1369	پیوست 1 :
36	اطلاعیهٔ فروردین 1397 بانک مرکزی در خصوص یکسان‌سازی ارز	پیوست 2 :
37	تبعات جهانی‌سازی اقتصاد ملی با سپردن تعیین نرخ ارز به بازار آزاد (بازار سیاه و ناکارآی فعلی)	پیوست 3 :
44	بندهای مهم از قوانین مصوب مجلس دربارهٔ ارز	پیوست 4 :
45	اشراف بانک مرکزی بر جریان ارزی کشور	پیوست 5 :
	کتاب جعبه سیاه تضعیف ریال	پیوست 6 :

نرخ ارز متغیر بسیار مهم و کلیدی در اقتصاد هر کشوری است. با توسعه امر تجارت خارجی (واردات و صادرات) و اتصال اقتصاد داخلی به صحنه جهانی، اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب و تعیین نرخ ارز متناسب با شرایط بخش حقیقی اقتصاد، نقش موثری در گسترش فعالیت‌های مولد اقتصادی دارد.

متأسفانه سال‌هاست اقتصاد کشور ما از پدیده‌ای به نام تورم بالا رنج می‌برد. این مشکل که با صادرات نفت و سرازیر شدن دلارهای نفتی در پیش از انقلاب آغاز شده بود، اکنون با اتخاذ سیاست‌های نامناسب ارزی از سال 1370 و عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی به خصوص در بخش ارز در مواجهه با تشدید تحریم‌ها از سال 1390 تاکنون به نقطه اوج خود رسیده و با تورم همراه با رکود اقتصادی شدید باعث نارضایتی شدید مردم شده است.

در سال‌های پس از جنگ با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی و رهاسازی نرخ ارز و در ادامه با آغاز فروش منابع ملی به داخل با قیمت به اصطلاح جهانی، تورم رکودی در اقتصاد ما شتاب گرفته است و دچار بحرانی شده‌ایم که جز با فهم دقیق شرایط و تدبیر نمی‌توان از آن خارج شد.

در بخش دوم به تنها راهکار و بسته سیاست اقتصادی ایران می‌پردازیم که هم عملی است و هم ناگزیر از اجرای آن هستیم. در این بسته راهکاری که ارائه شده با عمل به قوانین موجود می‌توان در مدت زمان نسبتاً کوتاهی، تورم را مهار کرد و رونق اقتصادی را به کشور بازگرداند. اجرای این راهکار چه با وجود تحریم و چه بدون آن الزامی است تا اقتصاد تا در برابر شوک‌های اقتصادی در آینده مقاوم کنیم.

بار دیگر تاکید می‌کنیم این بسته، تنها راهکار واقعی حل مشکل اقتصاد ایران است و الویت دادن به سیاست‌هایی همانند کنترل نقدینگی، کنترل ناترازی بودجه، کنترل ناترازی بانک‌ها، افزایش یارانه از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی، آدرس‌های غلط یا موضوعات ثانویه هستند که دولت فعلی را نیز مانند دولت‌های قبلی به مسیر انحرافی هدایت خواهد کرد.

## بخش اول: ارز و تورم

در پیوست (شماره 1) این گزارش، صفحاتی از برنامه تعدیل اقتصادی دولت مرحوم رفسنجانی ذکر شده است که در اسفند سال 1369 توسط دفتر اقتصاد کلان در معاونت امور اقتصادی دولت تهیه شده است. در بندی از مقدمه آن چنین آمده :

" البته نباید از نظر دور داشت که در شرایط فعلی، اعمال یکباره نرخ تعادلی ممکن است در کوتاه مدت پیامدهای نامطلوبی از جمله افزایش سریع قیمت بسیاری از کالاها، کاهش رفاه طبقات محروم، کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی برای خرید ارز و گران شدن محصول برخی از واحدهای تولیدی به نحوی که قادر به یافتن مشتری برای محصول خود نباشند را به دنبال خواهد داشت."

جای بسی تاسف است که این بند کوتاه، بارها و بارها در اقتصاد ما تکرار و تجربه شده و با هر بار افزایش جهش وار ارز، اقتصاد ایران گرفتار تورم‌های کمرشکن، رکود اقتصادی، نارضایتی مردم و برون داد ضعیف از کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در مدیریت اقتصادی کشور شده است.

این برنامه که در واقع بر مبنای توصیه های صندوق بین المللی پول تنظیم شده بود، در قالب یک بسته سیاستی موارد زیر را شامل می شد:

- ایجاد نظام قیمتی و ارزی مبتنی بر بازار
- اصلاحات قیمتی افزایش قیمت فرآورده های نفتی داخلی
- ضرورت حذف تمامی انواع یارانه های ضمنی و کنترل های قیمتی
- لغو نرخ های دستوری بازده (سود بانکی) و کارمزد و تعیین آن توسط بانک ها
- اجازه فعالیت به مؤسسات اعتباری خصوصی
- دادن استقلال بیشتر به بانک ها و استفاده از نظرات کارشناسی بانک جهانی و صندوق نسبت به حسابرسی متمرکز
- تعیین نرخ ارز توسط مکانیسم بازار
- رفع محدودیت واردات به لحاظ نوع کالا

گرچه قرار بود این توصیه ها در قالب یک تفاهم نامه ابلاغ شود، هیچگاه به مرحله امضا و اجرا نرسید، اما طی سالیان بعد تک تک بندهای آن در قوانین بودجه سالانه یا قوانین بالادستی به تصویب مجلس درآمدند.

با پایان جنگ تحمیلی، کشور با حجم عظیمی از تخریب‌ها مواجه بود. نرخ ارز رسمی (دلار) برای حدود یک دهه روی 70 ریال ثابت مانده بود اما ارز در بازار غیررسمی در حال افزایش بود. در سال 1370 و در پی اجرای نخستین بند از برنامه تعدیل اقتصادی، نرخ ارز رسمی (تعدلی) از 70 به 600 ریال افزایش یافت و اقتصاد کشور شاهد تورم 20 و 25 درصدی در سال‌های 1370 و 1371 گردید.

در قدم بعدی، مرحوم رفسنجانی با تصور توسعه اقتصادی، سیاست درهای باز را اجرا و اقدام به استقراض 35 میلیارد دلار وام خارجی کرد، اما به محض سررسید وام‌ها در سال 1373 با کمبود شدید منابع ارزی مواجه شد و ناگهان نرخ ارز در بازار آزاد جهش کرد و در اردیبهشت ماه 1374 به بیش از 800 تومان افزایش یافت. بحران بزرگی در کشور پدید آمد و نرخ تورم به بالای 49٪ رسید.

با آغاز اعتراضات مردمی، دولت وقت به سرعت از اجرای سیاست تعدیل اقتصادی عقب‌نشینی کرد و با اعلام تثبیت نرخ ارز صادرات غیرنفتی به رقم 300 تومان در سال 1374، بحران را فرونشاند. اجرای این سیاست موجب شد تا تورم در سال 1375 به 21.6 درصد کاهش یابد.

با روی کار آمدن دولت هفتم ( ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ - ۱۲ مرداد ۱۳۸۰) روند کاهش تورم ادامه داشت به گونه ای که تورم در سال 1380 به 10.6 درصد کاهش یافت. تا اینکه با آغاز کار دولت هشتم در سال 1381 نرخ ارز یکسان شد و نرخ (دلار) 1755 ریال حذف و به رقم 7991 ریال افزایش یافت. اجرای این سیاست موجب شد تا تورم در این سال به رقم 16 درصد افزایش یابد. با ثبات نسبی نرخ ارز در سال‌های 1382 تا 1384 نرخ تورم در سطح حدود 15 درصد ثابت ماند و در سال آخر این دولت این نرخ به 11 درصد تقلیل یافت.

در دو سال اول آغاز به کار دولت نهم (سال‌های 1384 و 1385) و ثبات نسبی در نرخ ارز، تورم در سطح حدود 11 درصد باقی ماند.

در سال 1386 دولت نهم با الهام از توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول مجوز فروش فرآورده‌های ویژه پالایشگاهی، نفت و منابع ملی به پالایشگاه‌های داخل را با قیمت‌های جهانی صادر کرد. از آنجا که جزئیات اجرایی و قوانین مصوب مربوطه در پیوست (شماره 3) این نوشتار به تفصیل بیان شده است، از تکرار آنها در این بخش خودداری می‌کنیم.

اجرای این سیاست موجب شد تا نرخ تورم در سال‌های 1386 و 1387 به ترتیب به 18.3 و 25.4 درصد افزایش یابد. به عبارت دیگر، میانگین تورم 16٪. نیمه دوم دهه 70 و نیمه اول دهه 80، به حوالی 25٪ در سال 1387 افزایش یافت.

در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۸۹، رئیس دولت دهم با حضور در سیمایا، آغاز اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (آغاز جهانی فروشی فرآورده‌های اصلی به داخل) را رسماً اعلام کرد. براین اساس، از صبح روز ۲۸ آذر، حامل‌های انرژی، آب و نان در سراسر ایران با بهای جدید ارائه خواهند شد. این سیاست موجب شد تا نرخ تورم در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل به حدود دو برابر (از ۱۲.۵ درصد به ۲۱.۴) افزایش یابد. علاوه بر این با تحریم نفتی و بانکی ایران در دی ماه ۱۳۹۰ و افزایش شدید نرخ ارز در بازار آزاد (قاچاق) در سال‌های ۱۳۹۱ و ۹۲ به بیش از ۴۰۰۰ تومان و کاهش شدید رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری، تورم در این سال‌ها به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت.

با روی کار آمدن دولت یازدهم و وعده اجرای معاهدهٔ برجام و ارتباط با خارج، انتظارات تورمی در جامعه فروکش کرد. نرخ در ارز در سطح ۳۰۰۰ تومان به ثبات نسبی دست یافت. در سال ۱۳۹۴ برجام امضا شد و اقتصاد ایران توانست نفت بیشتری را در بازارهای جهانی به فروش برساند. این امر موجب شد تا نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ به رقم ۱۲.۵ درصد افزایش یابد. طبیعی بود که این نرخ در سال‌های بعدی امکان تحقق نداشت به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۶ به رقم ۳.۷ درصد تقلیل یافت. با وجود آنکه با فروکش کردن انتظارات تورمی در جامعه نرخ ارز در بازار آزاد در سال ۱۳۹۵ به زیر ۳۰۰۰ تومان کاهش یافت و نرخ تورم در دو سال پیاپی (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب ۹.۰۵ و ۹.۷ درصد) تک رقمی شد، اما بانک مرکزی با اعلام اینکه کف نرخ ارز ۳۰۰۰ تومان است مانع از کاهش بیشتر نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق شد.

همانطور که در مقدمهٔ برنامهٔ تعدیل اقتصادی نیز اذعان شده بود؛ بالابودن نرخ ارز، نیاز به نقدینگی بیشتر (جهت خرید ارز گرانتر برای واردات و نیز تامین هزینهٔ سرمایه در گردش بیشتر بنگاه‌های تولیدی) ایجاد می‌کند؛ به این معنی که بعد از جهش ارز، تقاضای نقدینه‌خواهی و افزایش نقدینگی معلول تورم می‌شود نه علت آن.

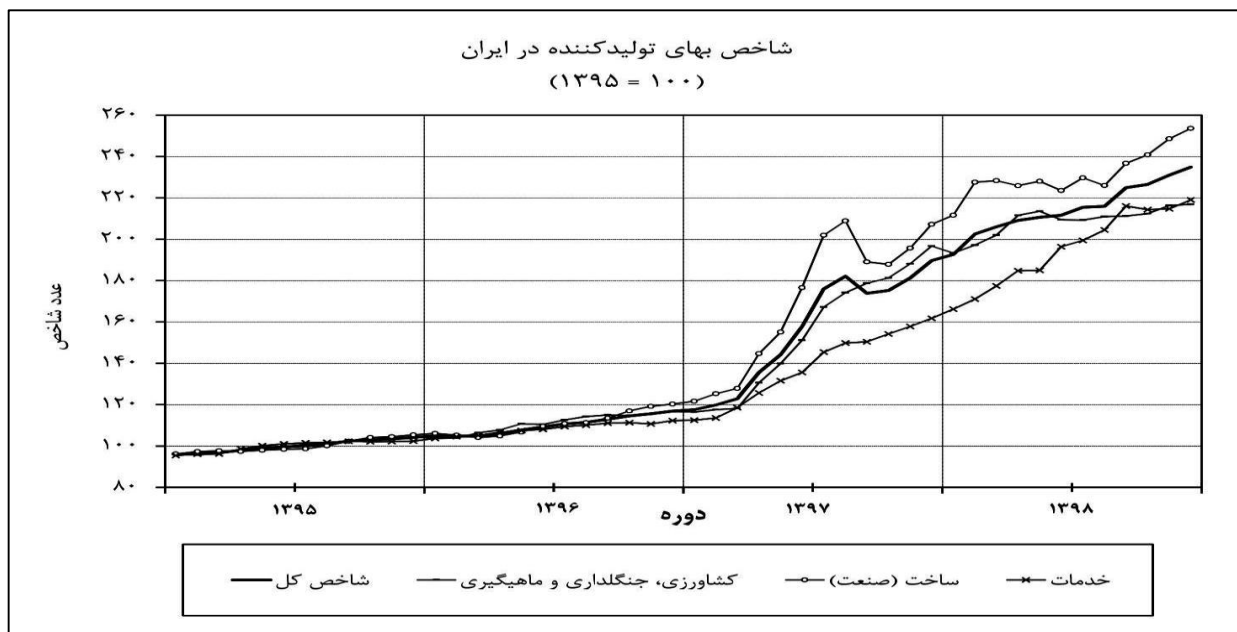
با مطرح شدن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و کاندیداتوری ترامپ و تهدید ایشان مبنی بر پاره کردن برجام، مبانی تصنعی کاهش تورم و رشد اقتصادی ایجاد شده بر مبانی برجام در اواخر سال ۱۳۹۶ و سال ۱۳۹۷ فرو ریخت. نرخ ارز در اواخر سال ۱۳۹۶ شروع به افزایش کرد به گونه‌ای که در اوایل سال ۱۳۹۶ به حدود ۵۰۰۰ تومان افزایش یافت. دولت برای کنترل بازار ارز، اطلاعیهٔ شماره یک را با هدف یکسان‌سازی نرخ ارز توسط بانک مرکزی در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ منتشر کرد و نرخ رسمی دلار ۳۵۰۰ تومانی را به ۴۲۰۰ تومان افزایش داد.

در این اطلاعیه که متن آن در پیوست (شمارهٔ ۲) آمده، کلیهٔ صادرکنندگان و واردکنندگان ملزم شدند تا عرضه و تقاضای ارز خود را صرفاً در سامانهٔ نیما با نرخ ۴۲۰۰ تومانی انجام دهند. علاوه بر این کلیه مبادلات ارزی در خارج از سامانه نیمایی قاچاق محسوب می‌شد. گرچه مجموعه این سیاست‌های اعلامی، بسته مناسب ارزی را در آن زمان ارائه می‌کرد اما اجرای ناقص و غلط منجر به شکست آن گردید؛ چراکه اولاً ارز ۴۲۰۰ تومانی را تقریباً به اکثر مصارف ضروری و غیرضروری (مانند بخارشور، موز، یخچال، قهوه‌ساز، چای‌ساز و امثالهم) تخصیص دادند که حاکی از ناکارایی در تخصیص منابع کمیاب ارزی داشت. علاوه براین، برخی گزارش‌ها نشان می‌داد مثلاً به

جای دارو، بخارشوی وارد شده یا تیم فوتبال اقدام به واردات تایر خودرو کرده است! یک شرکت خودروساز، چای وارد کرده و یا شرکت واردکننده پارچه، 120 هزار یورو لوبیا چیتی وارد کرده است! برخی از اصناف هم اعتراض داشتند که مثلاً واردکننده کاغذ جزو این صنف نبوده و معلوم نیست ارز تخصیصی منجر به واردات این کالا شده یا نه؟

در تاریخ 1397/4/4 یعنی سه ماه بعد از این اطلاعیه، بانک مرکزی یک بازار ثانویه ارز را راهاندازی کرد. در این بازار صادرکنندگان مجاز شدند تا ارز خود را به نرخ توافقی به واردکنندگان بفروشند. به این ترتیب بسته سیاستی برای یکسانسازی نرخ ارز با اشکالات فراوان در اجرا تنها سه ماه دوام آورد.

یکی دیگر از اتفاقات ناگوار سال 1397 مصوبه مهرماه هیئت دولت بود که به درخواست برخی وزیران کابینه، نرخ تسعیر فروش فرآورده‌های پالایشگاهی از ارز 4200 تومانی به ارز نیمایی 12500 تومانی افزایش یافت. این موضوع نیز موجی از گرانی مواد اولیه داخلی و تورم بخش تولید را (حتی پیش از اعلان عمومی) رقم زد. از آنجا که تبعات و آثار این تصمیم را مشروح در پیوست (شماره 3) ارائه کرده‌ایم، از تکرار آن در اینجا خودداری می‌کنیم. چنانچه در نمودار شاخص بهای تولیدکننده مشاهده می‌شود، به دلیل ساختار جهانی فروشی منابع ملی به داخل، با افزایش نرخ تسعیر ارز از 4200 تومانی به ارز نیمایی 12500 تومانی در سال 1397، جهش بزرگی را در شاخص بهای تولیدکننده و مصرف‌کننده شاهد بودیم. در سال‌های بعد نیز با افزایش مداوم نرخ ارز نیمایی (به تبعیت از نرخ بازار آزاد) هم در بخش واردات و هم در بخش تولیدات داخلی، تورم افزایش یافت و به کانال 40٪ و بالاتر رسید و موجی از نارضایتی عمومی را دامن زد.



منبع آمار: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در خلال سال‌های 1397 تا به امروز، اشتباهات سال 1369 بارها و بارها تکرار شده است. با اجرای سیاست افزایش مکرر نرخ ارز رسمی که ریشه در سیاست‌های تعدیل اقتصادی دارد، تعیین و کشف نرخ ارز به بازار آزاد سپرده شده و چون تقریباً هیچ کنترلی بر این بازار نبود، مدام نرخ‌ها توسط ذینفعان گرانی افزایش یافت. دولت نیز به پیروی از این نرخ‌های مختل شده، نرخ ارز رسمی کشور را بالا می‌برد و باعث تورم بیشتر و کاهش ارزش پول ملی شده و دوباره با دامن زده به انتظارات تورمی موجبات افزایش مجدد نرخ ارز را در این بازار آزاد قاچاق ارز را فراهم می‌کند و این دور باطل تاکنون ادامه دارد.

### استدلال غلط و دروغ بزرگ اصابت نکردن ارز رسمی به بخش تولید:

در زمستان سال 1400 و در مناظره تلویزیونی با یکی از نمایندگان محترم مجلس که اصرار بر حذف ارز 4200 تومانی برای واردات نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی داشت، از مخاطرات این تصمیم گفته شد و به مسئولان ذیربط هشدار داده شد که از گران‌سازی نرخ ارز رسمی کشور و حذف ارز 4200 تومانی پرهیز کنند، چون جامعه دیگر تحمل گرانی بیش از این مقدار را ندارد.

نظر منتقدان این بود که گرچه ارز 4200 تومانی به واردات نهاده‌ها تخصیص می‌یابد، اما قیمت کالاهای تولیدی (منظور مرغ) ثابت نمانده و همگام با افزایش نرخ ارز بازار آزاد قیمت این کالا بالا می‌رود. توصیه آنها به دولت این بود که ادامه تخصیص این ارز، هدر دادن منابع ارزی کشور است و باید ارز 4200 را حذف و نرخ‌ها را روی ارز نیمایی 25000 تومانی یکسان‌سازی کنیم.

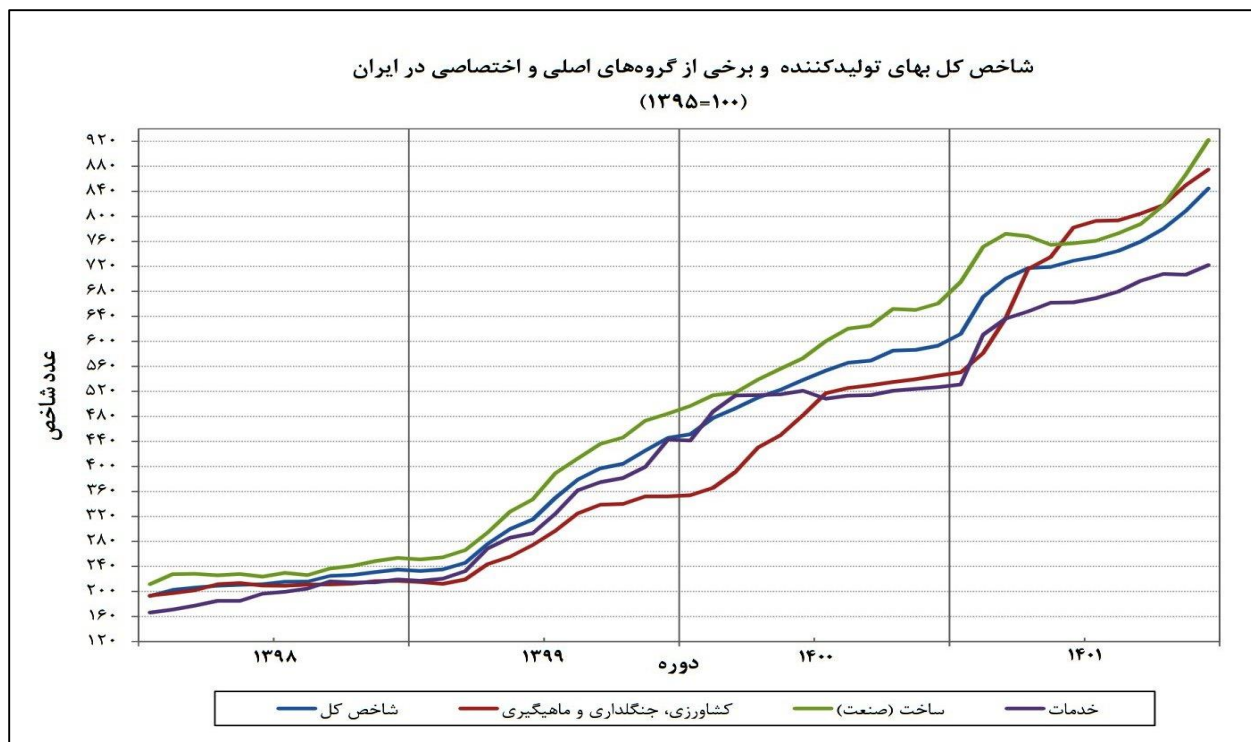
### دو اشتباه بسیار بزرگ در این تفکر نهفته بود:

نخست اینکه با وجود یله و رها بودن بازار آزاد ارز، هر نوع گران‌سازی ارزهای رسمی اثرات شدیدی تورمی به دنبال دارد و موجب می‌شود تا انتظارات تورمی مردم تحریک شده و موجب افزایش نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق گردد. در نتیجه سیاست افزایش نرخ ارز رسمی با هدف یکسان‌سازی نرخ ارز قطعاً با شکست مواجه خواهد شد.

دوم اینکه متأسفانه هم نمایندگان مجلس و هم مسئولان دولتی اطلاع دقیقی از ساختار و ترکیب هزینه‌های تولید کشور نداشتند. آنها نمی‌دانستند بخش تولید تنها متأثر از ارز رسمی (4200 تومانی) نیست، بلکه بخش‌هایی از عوامل تولید با ارز نیمایی و بخش‌هایی دیگر با ارز آزاد انجام می‌شود و نباید کل گرانی تولید را به پای اصابت نکردن ارز رسمی 4200 تومانی نوشت. متأسفانه به هشدار داده شده در این زمینه که گران‌سازی ارز رسمی 4200 تومانی باعث افزایش هزینه‌های تولید شده و موج تورمی وحشتناک ایجاد خواهد کرد، توجه نشد.

در اردیبهشت ماه سال 1401 و به امید تک نرخی شدن ارز روی 25000 تومان، ارز 4200 تومانی حذف شد و ناگهان بخش تولید و به دنبال آن قیمت کالاها با جهش شدید تورمی مواجه گردید. نمودار زیر شاخص کل بهای تولیدکننده و برخی از گروه‌های اصلی را نشان می‌دهد. با حذف ارز 4200 تومانی شاهد افزایش شدید این شاخص در سال 1401 بودیم.





منبع آمار : سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

متأسفانه این سیاست‌های اشتباه بارها و بارها در اقتصاد ما تکرار شده است. هر بار که نرخ ارزهای رسمی کشور به تبعیت از نرخ بازار آزاد قاچاق ارز (بازار یله، رها و بدون نظارت حاکمیت) افزایش می‌یابد، بخش تولید با جهش‌های تورمی مواجه شده و بلافاصله اثرات خود را در بخش مصرف و سفره مردم نشان می‌دهد. جهش تورمی ابتدای سال 1401 همان اثر تورمی بر بخش تولید و مصرف است که با حذف و گرانسازی ارز 4200 تومانی به وجود آمده و پس از بروز اعتراضات در کشور و افزایش نرخ ارز آزاد در انتهای سال 1401 باز شاهد موج تورمی جدیدی در کشور شدیم.

یکی از بحث‌های مهمی که در مورد اثبات نکردن ارز رسمی مطرح شده موضوع قیمت مرغ است. صنعت مرغداری بعد از نفت، جزو مهمترین صنایع کشور محسوب می‌شود و هرگونه اشتباه در فهم جریان آن باعث افزایش هزینه‌ها و تورم خواهد شد. متأسفانه تحلیل‌های غلط کارشناسی با این استدلال که ارز 4200 به تولید اصابت نمی‌کند و باید حذف شود تا منابع ارزی کشور هدر نرود! هزینه سنگینی را بر کشور وارد کرد. این تحلیل‌گران نمی‌دانستند که کل چرخه تولید مرغ با ارز ترجیحی نیست، بلکه تنها بخشی با ارز ترجیحی و مابقی با ارز نیمایی و آزاد صورت می‌پذیرد.

جدول زیر هزینه‌های عمده برای تولید یک کیلو گرم مرغ زنده در ابتدای خرداد 1403 را نشان می‌دهد.

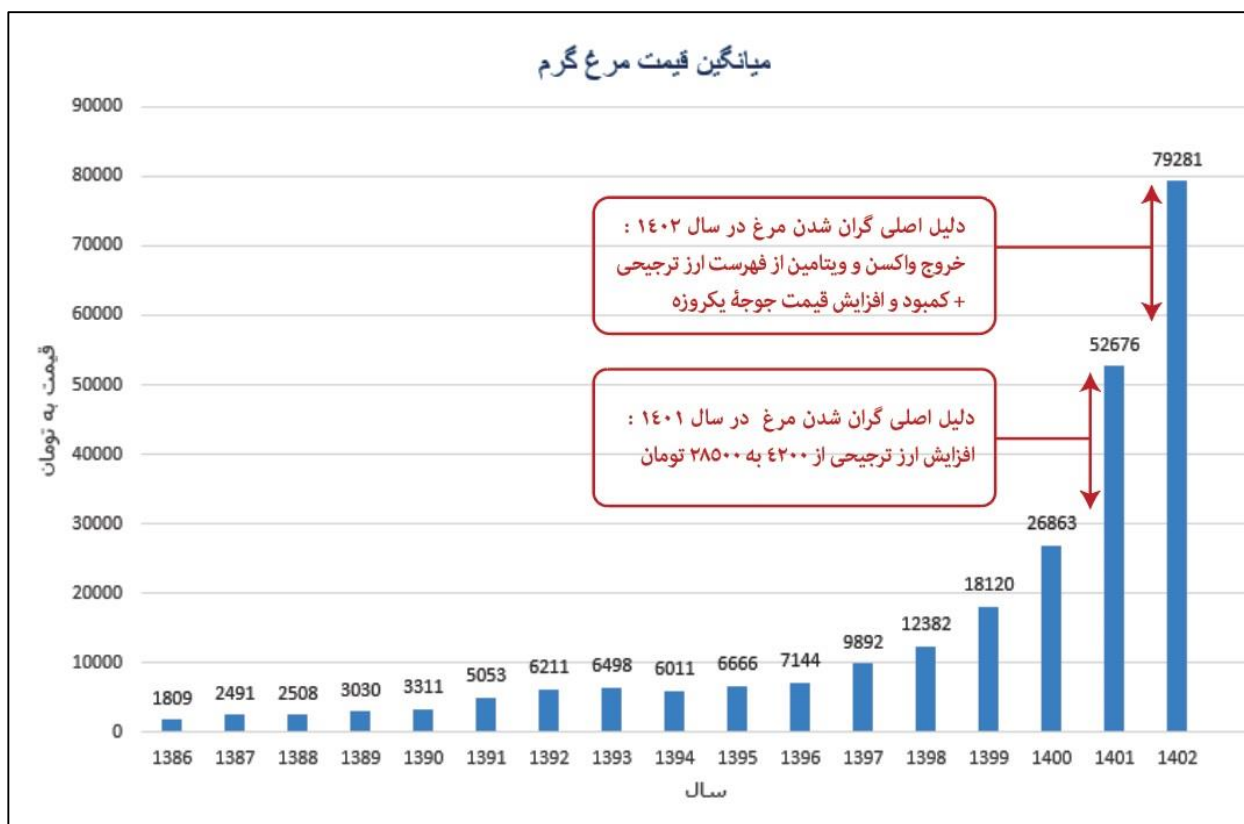
هزینه های عمده برای تولید یک کیلوگرم مرغ زنده در ابتدای خرداد ۱۴۰۳				
عنوان هزینه	میزان	هزینه (تومان)	درصد هزینه تولید در یک کیلو مرغ زنده	نوع ارز
ذرت	۱۲۰۰ گرم	۹۰۰۰	حدود ۱۵٫۵ درصد	ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی
کنجاله سویا	۴۰۰ گرم	۱۲۵۰۰	حدود ۲۱٫۵ درصد	ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی
کنسانتره	۵۰ گرم	۳۷۵۰	حدود ۶٫۵ درصد	نیمایی ۲۰ هزار تومانی
سایر مواد افزودنی	۱۵۰ گرم	۱۱۲۵۰	حدود ۱۹٫۲ درصد	نیمایی ۲۰ هزار تومانی
مجموع هزینه های دان + حمل و نقل :		۲۴۵۰۰		
واکسن، پرمیکس درمانی و دارو :		۲۴۰۰	حدود ۶ درصد	نیمایی ۲۰ هزار تومانی
هزینه جوجه یکروزه برای یک کیلو مرغ :		۱۱۲۰۰	حدود ۲۰ درصد	واردات نیمایی ولی فروش آزاد
آماده سازی سالن + استهلاک + انرژی + کارکر :		۴۵۰۰	حدود ۱۱٫۲ درصد	ارز آزاد ۵۷ هزار تومانی
هزینه تامین نقدینگی با نرخ سود ۲۲٪ بانکی		۰		ارز آزاد ۵۷ هزار تومانی
سود مرعدار		۰		ارز آزاد ۵۷ هزار تومانی
قیمت یک کیلو مرغ زنده :		۵۸۰۰۰		
قیمت یک کیلو مرغ کشتار گرم در عمده فروشی :		۷۷۰۰۰		
قیمت یک کیلو مرغ کشتار گرم در خرده فروشی :		۸۵۰۰۰		

براساس ارقام مندرج در این جدول، حدود یک سوم هزینه های تولید مرغ با ارز 28500 تومانی، یک سوم با ارز نیمایی و بقیه با ارز آزاد تامین و محاسبه می شود. گران شدن مرغ در عین ثابت ماندن ارز ترجیحی به دلیل گران شدن ارز آزاد و نیمایی بود نه هدررفت ارز 28500 تومانی. قبلا که ارز 4200 تومانی به صنعت مرغداری کشور داده می شد همین نسبت ها برای این ارز نیز رعایت می شد.

به رغم هشدارهایی که در رسانه های جمعی به مسئولان کشور داده شد و آنها را از گران کردن ارز رسمی 4200 تومانی برای واردات نهاده ها و کالاهای اساسی برحذر داشتیم، اما متاسفانه به نظرات کارشناسی توجه نشد و با گران کردن ارز در ابتدای سال 1401، ناگهان مرغ و دیگر کالاهای اساسی به شدت گران شدند و چند ماه بعد با لبریز شدن صبر مردم از گرانی های افسارگسیخته (و البته با جرقة فوت مهسا امینی) اعتراضات شروع شد و آن اتفاقات ناگوار در سطح ملی رخ داد.

ماجرا به همین جا ختم نشد، سال 1402 هم با گران شدن بخش دیگری از ارز تخصیصی به نهاده هایی مانند واکسن و ریزمغذی ها (انتقال این موارد از فهرست ارز از 28500 تومان به ارز نیمایی گرانتتر)، دوباره هزینه های تولید را افزایش داد و چند ماه بعد با گرانتتر شدن مرغ در بازار مواجه شدیم. درباره اصابت کردن ارز با نرخ رسمی به صنعت مرغداری کشور، گزارش مفصل و جداگانه ای تهیه شده است که در پیوست این گزارش آمده است.

نمودار زیر میانگین قیمت عرضه مرغ گرم در میادین سراسر کشور را نشان می دهد. بر اساس این نمودار دوبار مرغ جهش قیمتی داشته است. یکبار در ابتدای سال 1401 با حذف ارز 4200 تومانی و افزایش آن به حدود 25000 تومان و بار دیگر با تبدیل ارز 25000 تومانی به ارز گرانتتر نیمایی برای واردات بخشی از نهاده های تولیدی.

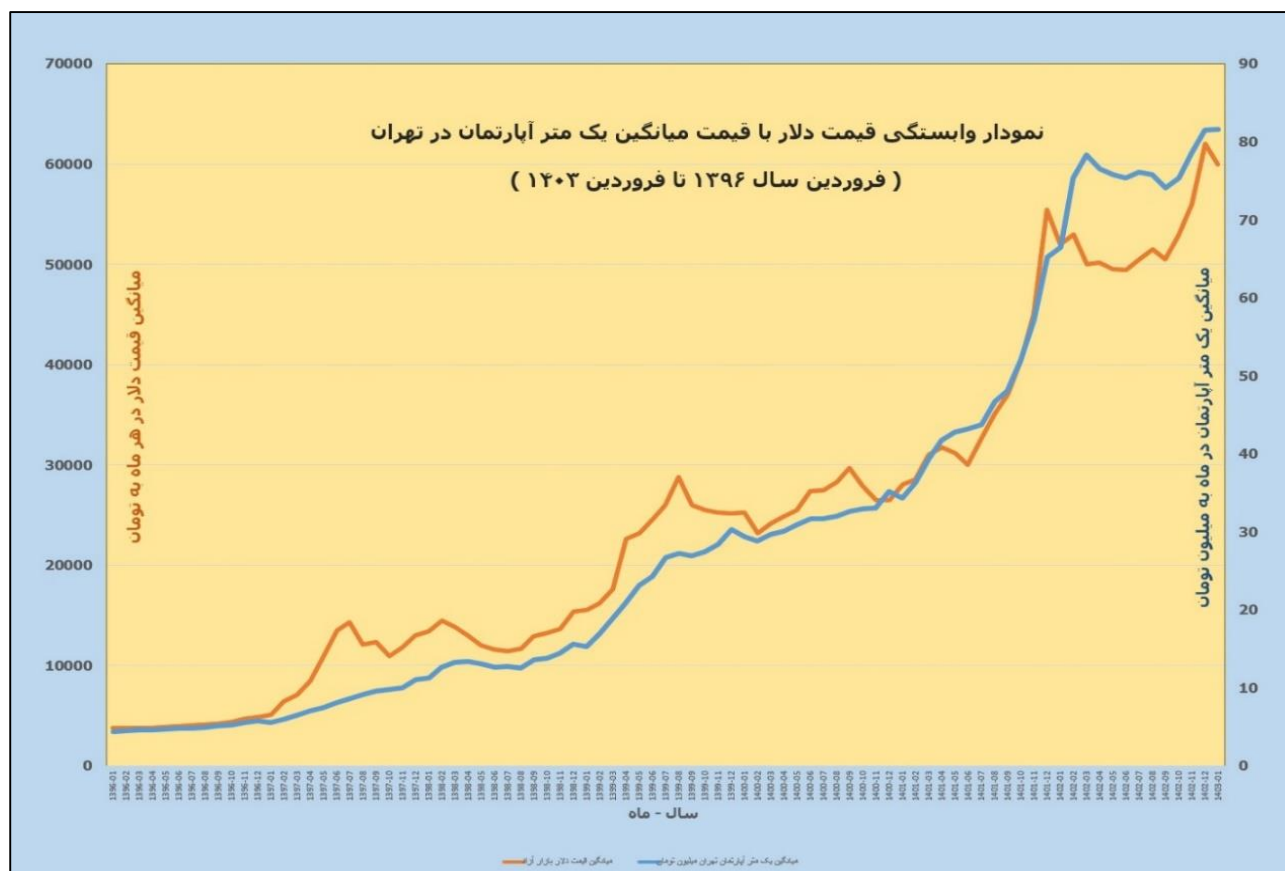


### اثر نرخ ارز بازار آزاد بر دارایی‌های سرمایه‌ای:

در اقتصاد جهانی شده ایران از سال 86 به بعد، قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای مانند طلا و خودرو و مسکن همگام با افزایش نرخ ارز بازار آزاد بالا می‌روند. از آنجا که به دلیل شوک ناشی از تحریم و انتظارات تورمی، جهش‌های نرخ ارز همواره بالاتر از درآمد عمومی مردم است، این دارایی‌ها (مسکن و خودرو) به مرور در حال خارج شدن از سبد خرید طبقه متوسط مردم شده است.

برای مثال طبق نمودار زیر که از اطلاعات بانک مرکزی استخراج شده، از ابتدای سال 96 تا ابتدای 1403 قیمت ارز حدود 16 برابر و میانگین قیمت مسکن 17.5 برابر شده، این در حالی است که نقدینگی کل کشور حدود 6.5 برابر و میانگین حقوق کارمندان هم کمتر از 6 برابر شده و تقریباً خرید مسکن به آرزوی دست نیافتنی برای جوانان ایران تبدیل شده است.

## نمودار وابستگی قیمت مسکن به دلار بازار آزاد



دو متغیر مهم در صنعت ساختمان کشور (زمین و مصالح ساختمانی) با نوسانات نرخ ارز همراه شده است. افزایش نرخ ارز از دو طریق قیمت مسکن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اولاً مسکن به عنوان یک دارایی که می‌تواند جایگزین ریال شود، با افزایش نرخ ارز و افزایش انتظارات تورمی، تقاضای سفته بازی آن افزایش می‌یابد. ثانیاً با توجه به اینکه مصالح ساختمانی از فولاد گرفته تا مواد معدنی و پتروشیمی قیمت‌گذاری جهانی شده‌اند با افزایش نرخ ارز قیمت این مصالح افزایش می‌یابد. بنابراین تا وقتی نرخ ارز مهار نشود و پول ملی تقویت نشود قیمت مسکن کاهش نخواهند یافت.

### آثار افزایش نرخ ارز بر اقلام وارداتی و مصرفی مردم:

در تاریخ 1403/2/12 مصوبه‌ای (به شماره 23107) توسط دولت ابلاغ شد که در آن ارز 28500 تومانی برخی کالاهای اساسی همانند شکر، کره، حبوبات، مواد سلولزی، لاستیک کامیون و سایر کالاها حذف شد و ما شاهد موج تورمی جدیدی در کشور بودیم. در مجموع از سال گذشته تاکنون بیش از 485 قلم کالا از شمول ارز 28500 تومانی حذف و با انتقال آنها به فهرست ارز نیمایی، هزینه واردات و تولید 47٪ افزایش یافت و دقیقاً به همین

میزان نیز قیمت این کالاها (حتی کالاهای تولید داخل) در بازار گران شد. اگر قیمت کالاها به خصوص کالاهای اساسی از سال 1397 تاکنون رصد شود، ملاحظه می‌شود که عامل اصلی افزایش قیمت این کالاها افزایش نرخ ارز بوده است.

جدول زیر روند قیمت برخی از کالاهای اساسی همانند شکر و برخی از اقلام حبوبات را نشان می‌دهد.

نام کالا	قیمت قبل از حذف ارز 4200 فروردین 1398	قیمت بعد از حذف ارز 4200 در فروردین 1400	قیمت در فروردین 1401 تامین با ارز حدوداً 22000 تومانی	قیمت اسفند 1402 (تداوم پرداخت ارز 28500 تومانی)	قیمت ابتدای خرداد 1403 (بعد از حذف ارز 28500 تومانی)
قند شگسته بسته‌بندی	8900 تومان	17500 تومان	27000 تومان	38000 تومان	48000 تومان
شکر فله	3500 تومان	15000 تومان	17000 تومان	28000 تومان	42500 تومان
عدس کانادایی	5700 تومان	26800 تومان	44000 تومان	64000 تومان	86500 تومان
لوبیا چیتی	11600 تومان	34000 تومان	46500 تومان	73500 تومان	93000 تومان
نخود	8900 تومان	27500 تومان	39000 تومان	51500 تومان	60500 تومان
لوبیا سفید ایرانی	15000 تومان	22500 تومان	25000 تومان	93000 تومان	140000 تومان

در دو جدول زیر قیمت حبوبات را در فاصله زمانی دو ماه از اسفند 1402 تا اردیبهشت 1403 (حذف ارز 28500 تومان) نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود حتی قیمت حبوبات تولید داخل نیز بیش از 50٪ افزایش قیمت داشته‌اند.

تاریخ به روز رسانی: ۱ اسفند ۱۴۰۲

توضیحات	قیمت ریال/تن			محل عرضه	محصول	
	میانگین قیمت	حداکثر قیمت	حداقل قیمت			
	۶۴۰.۰۰۰	۶۵۰.۰۰۰	۶۳۰.۰۰۰	تهران	عدس کانادایی درشت	عدس
	۶۶۰.۰۰۰	۶۶۰.۰۰۰	۶۶۰.۰۰۰	تهران	عدس کانادایی ریز (استون)	
	۴۴۵.۰۰۰	۴۶۰.۰۰۰	۴۳۰.۰۰۰	تهران	دال عدس	
	۵۵۰.۰۰۰	۵۶۰.۰۰۰	۵۴۰.۰۰۰	تهران	عدس روس درشت (۷-۹ میلیمتر)	
	۶۱۰.۰۰۰	۶۲۰.۰۰۰	۶۰۰.۰۰۰	تهران	آذرشهر	پد
بوجار	۷۳۵.۰۰۰	۷۷۰.۰۰۰	۷۰۰.۰۰۰	تهران	لوبیا چیتی ایرانی	لوبیا
بوجار	۷۳۵.۰۰۰	۷۵۰.۰۰۰	۷۲۰.۰۰۰	تهران	لوبیا قرمز ایرانی	
بوجار	۹۳۰.۰۰۰	۹۳۰.۰۰۰	۹۳۰.۰۰۰	تهران	لوبیا سفید ایرانی	
	۶۷۰.۰۰۰	۶۸۰.۰۰۰	۶۶۰.۰۰۰	تهران	لوبیا چشم بلبلی ماداگاسکار	
بوجار	۵۱۵.۰۰۰	۵۴۰.۰۰۰	۴۹۰.۰۰۰	تهران	نخود سه خان	نخود

تاریخ به روز رسانی: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

توضیحات	قیمت ریال/تن			محل عرضه	محصول	
	میانگین قیمت	حداکثر قیمت	حداقل قیمت			
تحويل تهران	۸۶۵.۰۰۰	۸۸۰.۰۰۰	۸۵۰.۰۰۰	تهران	عدس کانادایی درشت	عدس
	۸۵۵.۰۰۰	۸۶۰.۰۰۰	۸۵۰.۰۰۰	تهران	عدس کانادایی ریز (استون)	
	۷۸۵.۰۰۰	۸۰۰.۰۰۰	۷۷۰.۰۰۰	تهران	عدس روس درشت (۷-۹ میلیمتر)	
	۷۱۰.۰۰۰	۷۳۰.۰۰۰	۶۹۰.۰۰۰	تهران	آذرشهر	پد
بوجار	۹۳۰.۰۰۰	۹۴۰.۰۰۰	۹۲۰.۰۰۰	تهران	لوبیا چیتی ایرانی	لوبیا چیتی
دستچین	۹۷۵.۰۰۰	۱.۰۰۰.۰۰۰	۹۵۰.۰۰۰	تهران	لوبیا چیتی ایرانی	
بوجار	۱.۰۰۰.۰۰۰	۱.۰۵۰.۰۰۰	۹۵۰.۰۰۰	تهران	لوبیا قرمز ایرانی	
	۹۲۲.۵۰۰	۹۳۰.۰۰۰	۹۱۵.۰۰۰	تهران	لوبیا قرمز قرقیزستان	
بوجار	۱.۴۰۰.۰۰۰	۱.۴۰۰.۰۰۰	۱.۴۰۰.۰۰۰	تهران	لوبیا سفید ایرانی	
	۷۵۰.۰۰۰	۷۸۰.۰۰۰	۷۲۰.۰۰۰	تهران	لوبیا چشم بلبلی ماداگاسکار	
بوجار	۶۰۵.۰۰۰	۶۴۰.۰۰۰	۵۷۰.۰۰۰	تهران	نخود سه خان	

همچنین در ادامه جدول زیر نیز وضعیت قیمت برخی دیگر از کالاهای اساسی همانند روغن، شیر، مرغ و گوشت را نشان می‌دهد.



اسفند 1401 بعد از حذف ارز 4200 تومانی	اسفند 1400	نام کالا	اردیبهشت 1403 (تداوم پرداخت ارز 28500 تومانی)
53000 تومان	13000 تومان	روغن سرخ کردنی 810 گرمی	50500 تومان
15000 تومان	6400 تومان	شیر 3.2 درصد هر کیلو درب دامداری	15000 تومان
65000 تومان	31500 تومان	مرغ	76500 تومان
340000 تومان	129000 تومان	<u>گوشت شقه گوسفندی تولید داخل</u>	600000 تومان
185000 تومان	47000 تومان	<u>گوشت قلوه گاه گوساله منجمد برزیلی</u>	240000 تومان

جای بسی شگفتی است که مسئولان کشور با آنکه مشاهده می کنند افزایش نرخ ارز چه اثرات سویی بر سفره مردم دارد، باز تجربیات شکست خورده را تکرار می کنند و از تحلیل هایی استفاده می کنند که به جای پرداختن به ریشه اصلی تورم در شرایط موجود اقتصاد ایران، آدرس غلط داده و نقدینگی و ناترازی بانک ها را مقصر اصلی تورم های افسارگسیخته نشان می دهند!

## بخش دوم: راهکار

در بخش قبل نشان داده شد که اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی از سال 69 تا امروز که مهمترین بند آن سپردن تعیین نرخ ارز به بازار آزاد(قاچاق) بود، به شکست انجامیده و با اجرای گام به گام جهانی سازی اقتصاد ملی، معیشت مردم به نرخ ارز وابستگی شدیدی پیدا کرده است و کنترل مناسبی بر این بازار آزاد قاچاق ارز وجود ندارد.

در شرایط موجود دو راهکار وجود دارد:

**راهکار اول:** ادامه وضع موجود است، یعنی با استدلال حذف رانت و فساد و جلوگیری از اتلاف منابع ارزی به تبعیت از نرخ ارز بازار آزاد (قاچاق) نرخ ارز رسمی افزایش یابد و با نرخ بازار آزاد یکسان شود. این سیاست از سال 1369 در قالب سیاست‌های تعدیل اقتصادی آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. در نتیجه اجرای این سیاست به ارز چند نرخ در حوزه حواله‌های ارزی به شرح ذیل رسیده‌ایم:

الف: نرخ ارز رسمی 28500 تومانی دولتی که به کالاهای اساسی اختصاص یافته است و دولت از سال گذشته تاکنون بیش از 485 قلم کالا را از شمول آن خارج کرده است.

ب: ارز نیمایی با عنوان تالار دوم که نرخ 42000 تومان است

ج: ارز اشخاص که 5 درصد کمتر از نرخ بازار آزاد قاچاق است

هدف بانک مرکزی در شرایط فعلی در گام اول انتقال و حذف ارز 28500 به ارز نیمایی است. در گام بعدی انتقال به ارز اشخاص که 5 درصد کمتر از نرخ بازار آزاد قاچاق است. لازم به ذکر است که تاکنون اقتصاد کشور سه بار این مسیر یکسان سازی نرخ ارز(با بازار آزاد قاچاق) را تجربه کرده است. مورد اول سال 1371 که نرخ ارز رسمی با رقم 1460ریال به رقم بازار آزاد نزدیک شد و تا رقم 1755 ریال همگام با بازار آزاد افزایش یافت و از سال های 1372 تا 1380 به دلیل سرعت بالای افزایش نرخ ارز در بازار آزاد(7991 ریال در سال 1380) در رقم حدود 1750 تثبیت شد. مورد دوم سال 1381 بود که نرخ ارز رسمی در رقم 7958 ریال با اختلاف بسیار ناچیز با نرخ ارز بازار آزاد یکسان شد و تا سال 1389 در سطح حدود 10000 ریال نوسان داشت. از سال 1390 به دلیل تحریم های اقتصادی مجدد نرخ ارز رسمی از بازار آزاد فاصله گرفت. مورد سوم سال 1397 بود که این تجربه شکست خورده مجدداً تکرار شد که توضیحات آن مفصل در قسمت های قبلی ذکر شده است.

دلیل اصلی شکست یکسان سازی نرخ ارز با نرخ بازار آزاد قاچاق در اقتصاد ایران وقوع پدیده "**دور باطل افزایش**

**نرخ ارز-تورم"** است. عملکرد این دور باطل به این صورت است که با یکسان سازی نرخ ارز و افزایش نرخ ارز رسمی برای از بین رفتن شکاف موجود بین این نرخ و بازار آزاد(قاچاق) ارز، قیمت کالاها افزایش می‌یابد. افزایش قیمت کالاها از یک سو انتظارات قیمتی را تحریک می‌کند و از سوی دیگر موجب افزایش مستقیم قیمت کالاها و قاچاق نیز می‌شود. این رخداد موجب هجوم بازیگران اقتصادی به سمت خرید انواع دارایی به خصوص ارز برای حفظ ارزش پول خود شده است. این افزایش تقاضا در بازار آزاد(قاچاق) ارز موجب افزایش نرخ ارز در این بازار



می‌شود. در مرحله بعدی با توجه به تبعیت دولت‌ها از طرح تعدیل اقتصادی، منجر به افزایش نرخ ارز رسمی می‌شود. با افزایش نرخ ارز رسمی، مجدد قیمت کالاها افزایش یافته است. به عنوان نمونه ارز 4200 تومانی قند و شکر در بهمن سال 1398 با هدف حذف رانت و فساد، موجب افزایش حدود 6 برابری قیمت این کالا شد. همچنین حذف ارز 4200 تومانی برنج، گوشت وارداتی، روغن، نهاده‌های دامی و سایر کالاها افزایشی بیش از 2 تا 4 برابری قیمت این محصولات را به دنبال داشته است. همچنین تغییر قیمت نرخ ارز مربوط به محصولات پتروشیمی از 28500 تومان به 37500 تومان در شهریورماه 1402 افزایش قیمت این محصولات را به دنبال داشته است. با افزایش قیمت کالاها به دنبال افزایش ارز رسمی، تمامی قیمت کالاها منجمله کالاهای قاچاق نیز با افزایش قیمت مواجه می‌شوند.

از آنجا که منابع ارزی واردات کالاهای قاچاق از بازار ارز آزاد (قاچاق) تامین می‌شود موجب افزایش تقاضا در این بازار مختل شده می‌شود و منجر به افزایش مجدد نرخ ارز بازار آزاد (قاچاق) می‌شود. این افزایش هم تورم انتظاری جامعه را دامن می‌زند و هجوم مردم را به خرید بیشتر ارز برای سفته بازی و یا حفظ ارزش پول ترغیب می‌کند. به هر حال در دور بعدی فاصله بین نرخ ارز بازار آزاد (قاچاق) از نرخ رسمی بیشتر می‌شود و دولت افزایش نرخ ارز رسمی را با استدلال حذف رانت و فساد در دستور کار خود قرار می‌دهد. **این دور باطل در حال تکرار شدن است و منجر به کاهش سهمگین ارزش پول ملی کشور شده است.**

بنابراین تجربه نشان داده است که با هدف حذف رانت و فساد (البته ادعایی) نرخ ارز رسمی افزایش یافته تا اختلاف بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد (قاچاق) از بین برود، در حالی که این شکاف در مرحله بعدی افزایش یافته است. بیش از 30 سال است که اقتصاد دوچار دور باطل افزایش نرخ ارز و تورم برای از بین رفتن رانت و فساد (ادعایی) شده و متأسفانه دولت‌های جدید در این دور باطل گرفتار شده‌اند.

### راهکار دوم:

اجرای مجموعه اقدامات و سیاست‌های پنجگانه به شرح ذیل است.

### **الف) اقدامات آنی:**

**اولین اقدام،** ابطال کلیه مصوباتی که در سال جاری موجب شده تا کالاهای اساسی از شمول ارز 28500 خارج شوند. این مصوبات شامل:

- 1- مصوبه شماره 18978 مورخ 8/2/1403 در خصوص حذف ارز 28500 تومانی برای 485 قلم کالا.
- 2- مصوبه شماره 23107 مورخ 12/2/1403 و حذف ارز 28500 تومانی برای روغن و برنج.
- 3- مصوبه 1403/3/29 ستاد تنظیم بازار (افزایش قیمت جو، پوشک، لاستیک رادیال سنگین و روغن موتور).
- 4- مصوبه شماره 70763 مورخ 3/5/1403 افزایش قیمت اوره (از 40 به 240 هزار تومان).
- 5- صورتجلسه شماره 82658 مورخ 8/5/1403 وزیران اقتصاد و دارایی، نفت و صمت در خصوص گرانشازی خوراک گاز تعدیلی واحدهای تولیدی روغن موتور و مواد شیمیایی (صنایع شوینده و نساجی و بطری سازی و سایر کالاها)

ابطال این مصوبات، به معنای اهتمام دولت در جلوگیری از جهش قیمت در کالاهای اساسی و معیشت مردم است. اصولاً پیش از اقدامات فوری در کنترل بازارها، وارد کردن هرگونه شوک قیمتی، خارج از منطق عقلانی و غیرسازنده، متضمن افزایش فاصله طبقاتی و ضیق معیشت طبقه متوسط و فرودست جامعه خواهد بود.

### **ب) یکسان سازی نرخ ارز رسمی با اجرای سیاست‌های مناسب ارزی:**

**دومین اقدام،** تغییر در جهت سیاستگذاری دولت، از سیاستی تجربه‌شده و شکست خورده به سیاستگذاری عقلانی و درست است. سیاستگذار در سیاست فعلی به تبعیت از بازار آزاد(قاچاق)، اقلام مشمول 28500 را یک‌به‌یک حذف نموده و زمینه جهش تورمی بعدی را فراهم می‌نماید؛ به طمع اینکه دور باطل علل تورمی بالاخره یک جایی از حرکت بازایستد! عنایت بفرمایید که چنانچه با شرایط فعلی پیش برویم و علل و اسباب ایجادکننده تورم را از بین نبریم، رسیدن به ثبات اقتصادی سرابی بیش نیست. به‌عنوان دومین اقدام، دولت محترم باید عکس جهت سیاست‌های فعلی، با کاهش و حذف شمول ارز اشخاص و نیمایی، و افزایش دایره اقلام مشمول 28500 تومان، نرخ‌ها را به سمت پایین هدایت و یکسان(28500 تومان) نماید. اقتدار و اراده دولت در اجرای این سیاست با کاهش شدید نرخ ارز بازار آزاد(قاچاق) همراه خواهد بود. درحقیقت عکس جهت سیاستگذاری فعلی، به‌جای دنباله‌روی از نرخ بازار آزاد(قاچاق) باید یک نرخ منطقی مبنا قرار گیرد و تقویت شود. بدیهی است که صادرکنندگان نیز باید از همین نرخ تبعیت کنند. به عبارت دیگر منابع ارزی نرخ 28500 تومان تنها ارزهای حاصل از صادرات نفتی نخواهد بود، بلکه در تامین منابع ارزی، کلیه ارزهای صادرات غیرنفتی هم با همین نرخ استفاده خواهد شد. در این خصوص چند سوال اساسی مطرح می‌شود:

**سوال اول- چرا یکسان سازی نرخ ارز دولتی در نرخ 28500 انجام شود و در نرخ‌های بالاتر نیمایی(44000 تومان) و یا ارز اشخاص(حدود 5 درصد کمتر از نرخ بازار آزاد قاچاق ارز) انجام نمی‌شود؟**

**پاسخ:** اولاً براساس محاسبات علمی که در "کتاب جعبه سیاه تضعیف ریال" مفصل بحث شده است(پیوست 6) "نرخ ارز مناسب" محاسباتی به نرخ 28500 تومان نزدیکتر است. ثانياً مبنا قرار دادن نرخ بالاتر از 28500 تومان آثار تورمی بر اقتصاد خواهد داشت که جامعه ظرفیت تحمل تورم بالاتر را ندارد. چنانچه گفته شد بانک مرکزی از سال گذشته و سال جاری با هدف انتقال از نرخ 28500 تومانی به نرخ نیمایی موجب افزایش بیش از 50 درصدی قیمت بسیاری از کالاهای اساسی شده است و به همین دلیل در قسمت "الف" اقدامات آنی، پیشنهاد ابطال کلیه این مصوبات دولت شده است.

**سوال دوم- آیا کاهش نرخ ارز به سطح 28500 تومان موجب کاهش صادرات غیرنفتی نمی‌شود و انگیزه صادرکنندگان را کاهش نمی‌دهد؟**

**پاسخ:** بر اساس اطلاعات سال 1402، مبلغ 69.4 میلیارد دلار ارز جهت واردات کالا و خدمات تامین شده است. از مجموع این مبلغ، 25 درصد با نرخ 28500 تومانی است که از محل صادرات نفتی دولت تامین شده است. همچنین 50 درصد آن

حاصل صادرات شرکت‌های پتروشیمی‌ها و فولادی است که درآمدهای ارزی آنها با نرخ نیمایی (اکنون نرخ حدود 44000 تومان) تبدیل شده است. لازم به ذکر است که بخش قابل توجه‌ای از صادرات این شرکت‌ها به صورت خام (شمش فولاد و یا محصولات با فرآوری پایین) است و به دلیل ارزیابی پایین تولید این محصولات افزایش نرخ ارز سودهای کلانی را به خود اختصاص داده‌اند و کاهش نرخ ارز در صادرات آنها تاثیر معنی‌داری نخواهد داشت. در مرحله اجرای سیاست چنانچه این شرکت‌ها محصولاتی صادر کرده‌اند که احیاناً در تولید آنها از مواد اولیه‌ی با نرخ نیمایی استفاده شده باشد تنها یکبار جبران خواهند شوند. در مراحل بعدی ارز 28500 تومان برای خرید نهاده‌های تولید اختصاص می‌یابد و صادرات آنها نیز با همین نرخ تبدیل می‌شود. 25 درصد مابقی تامین ارز با نرخ ارز اشخاص (حدود 5 درصد زیر قیمت بازار آزاد قاچاق ارز) بوده است. این درآمدهای ارزی، حاصل از صادرات فرش، پسته و سایر محصولات است که در مرحله اجرای سیاست اعمال نرخ یکسان 28500، ارز لازم جهت نهاده‌های تولیدی وارداتی اختصاص داده می‌شود و درآمدهای ارزی آنها با همین نرخ تبدیل خواهد شد. در مرحله اول نیز در صورت صادرات کالاهایی با مواد اولیه نیمایی تنها یکبار به نحوی جبران خواهند شد. شایان ذکر است که بحث جبران شرکت‌ها نیازمند اطلاعات دقیق و بررسی کارشناسی دقیق‌تری خواهد بود. اجرای دقیق این سیاست تورم ناشی از افزایش نرخ ارز را به صفر تقلیل می‌دهد و با کاهش هزینه‌های تولیدی و کاهش نیاز نقدینگی واحدهای تولیدی، موجبات مهار تورم و رونق تولید را در کوتاه‌مدت فراهم می‌سازد.

اجرای این سیاست باید همگام با اجرای یک بسته سیاستی مناسب ارزی باشد که در ادامه توضیح داده می‌شود. در شرایط موجود یکی از عوامل مهم در رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد به خصوص قیمت‌هاست. با توجه به اینکه رابطه مستقیمی بین افزایش نرخ ارز و تورم وجود دارد و با توجه به تضعیف پیاپی و شدید پول ملی کشور در بیش از سه دهه بعد از انقلاب لازم است دولت سریعاً سیاست‌های تثبیت و سپس تقویت پول ملی را اتخاذ نماید. برای این منظور لازم است دولت ابتدا اشراف و کنترل خود را بر جریان ارزی کشور افزایش دهد (پیوست 5) تا اتخاذ سیاست تک‌نرخ ارز رسمی و کاهش نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق با موفقیت همراه شود و بدین ترتیب و در مرحله تثبیت، مقدمات بازار ارز کاراً را مهیا کنیم. برای این منظور بسته سیاستی با هدف یکسان‌سازی و تک‌نرخ کردن ارز رسمی با توجه به ظرفیت قوانین<sup>1</sup> موجود تدوین شده که به شرح زیر می‌باشد.

<sup>1</sup> ظرفیت‌های قانونی موجود عبارتند از:

- قانون جلوگیری از احتکار (مصوب 1320/12/27)
- قانون پولی و بانکی کشور (مصوب 1358/04/18) همراه با اصلاحات آن
- قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان (مصوب 1367/01/23)
- قانون تعزیرات حکومتی (مصوب 1367/12/23)
- قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب 1369/09/19)
- قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحی 1380/11/27)
- قانون نظام صنفی (مصوب 1382/12/24)
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب 1392/10/03) همراه با اصلاحات الحاقی 1394/07/21 و 1400/11/10 که پس از تایید شورای نگهبان در تاریخ 1401/01/20 توسط رئیس مجلس به رئیس جمهور وقت ارسال شده است.

## 1-ب) مدیریت (کاهش) تقاضای ارز در بازار آزاد مختل شده ارزی (قاچاق) و رسمی (مرکز مبادله ارز و

طلا):

همانگونه که قبلا نیز مطرح شد، به طور کلی تقاضای برای ارز بدلائل زیر انجام می شود:

1) واردات کالا و یا خدمات مجاز (گروه های 1-3).

2) واردات از طریق استثنائات تجاری (مناطق آزاد، بازارچه های مرزی، ته لنجی ها، کوله بری و غیره) که عمدتاً شامل گروه 4 (کالاهای لوکس و یا دارای تولید مشابه داخلی) می باشد.

3) قاچاق کالا: شامل کالاهای گروه 4 و کالاهای گروه 2 و 3 با تعرفه بالا می باشد.

4) ارز مسافری

5) خروج سرمایه

6) سفته بازی

7) قاچاق کالاهای ممنوعه: شامل مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای غیرمجاز و غیره

همانطور که ملاحظه می شود، با استثناء بند (1) و بخش اندکی از بند (4) که واردات مجاز و مورد تایید بوده و باید از طریق شبکه رسمی و مرکز مبادله ارز و طلا با نظارت دقیق دولت تامین ارزی شوند و منابع ارزی آنها باید با نرخ یکسان شده ارزی تخصیص یابد<sup>2</sup>، سایر تقاضاهای ارزی مورد تایید نبوده و اکنون نیز ارز مورد نیاز آنها از طریق بازار آزاد مختل شده ارزی تامین می شود. لازم به ذکر است که متأسفانه در سال های اخیر به رغم آگاهی سیاست گذاران از ضربات ناشی از قاچاق و واردات از طریق استثنائات تجاری به تولید داخلی و بازار ارز، بدلیل مسایل معیشتی، امنیتی و غیره همواره با اغماض و گذشت به این بخش پرداخته و حتی دامنه شمول آن را به شدت افزایش داده اند. برآوردها نشان می دهند که از حداقل 15 درصد و در مواقع بحرانی تا 35 درصد تا حدود 40 میلیارد دلار مصارف ارزی از مسیر غیررسمی تامین می شود.<sup>3</sup> با این حجم از تقاضا بدیهی است که حجم قابل

---

<sup>2</sup> در مورد ارز مسافری و سفرهای غیر ضرور بدیهی است نباید منابع ارزی کمیاب به آنها تخصیص یابد، در صورت اصرار دولت ها بر تامین منابع ارزی آنها، باید از طریق سایر ابزارهای سیاتی همانند عوارض سنگین بر سفرهای خارجی مدیریت شود.

<sup>3</sup> بر اساس یک برآورد میزان تقاضای ارز این گروه بالغ بر 40 میلیارد دلار (13 میلیارد دلار از طریق استثنائات تجاری، 12 میلیارد دلار قاچاق کالا، 4-5 میلیارد دلار قاچاق کالاهای ممنوعه و 10-15 میلیارد دلار سفته بازی و خروج سرمایه) برآورد می شود. براساس

-برآورد دیگر بر اساس بررسی و تحلیل اطلاعات ترازپرداخت های بانک مرکزی نشان می دهد که حداقل 15 درصد و در مواقع بحرانی تا 35 درصد از مصارف ارزی کشور از مسیر غیررسمی تامین می شود.

توجهی از ارز صادراتی کشور به سمت بازار آزاد مختل شده ارزی سوق پیدا کرده و با توجه به ماهیت این تقاضاها، نرخ های بالای ارز نیز به راحتی در این بازار پذیرفته شود.

بنابراین تا زمانی که این حجم از تقاضا کنترل نشود، دولت نمی تواند بازار آزاد مختل شده ارزی را کنترل نماید. لذا ضروری است علاوه بر بررسی دقیق تامین نوع نیازهای ارزی از طریق این بازار و تعیین مکانیزم تامین نیازهای ضروری و قانونی آن، اقدامات ذیل در این خصوص انجام شود:

- واردات از کلیه مبادی ورودی شامل مناطق آزاد، بازارچه های مرزی، ته لنجی و غیره منوط به ثبت سفارش و رعایت کلیه مقررات شود (با هدف کاهش و کنترل واردات).

- هرگونه معافیت جدید تجاری ممنوع شود و معافیت های موجود طی یک فرآیند برنامه ریزی شده 5 ساله (سالانه 20 درصد) حذف شود (منابع حاصل از این سیاست صرفا برای طرح های اشتغال زا هزینه شود).

- اعطای شناسه کالا و کد رهگیری به کلیه کالاها عملیاتی شود و با تکمیل فرآیند هر کالا با کالای فاقد شناسه کالا و کد رهگیری در سطح عرضه برخورد قاطع انتظامی شود (عدم امکان فروش کالای قاچاق).

- تکمیل نقایص سامانه جامع تجارت در زمانبندی حداکثر 2 ماهه بخصوص در بخش گمرک و نیروی انتظامی.

با اجرای کامل موارد فوق، پیش بینی می شود بین 10-15 میلیارد دلار تقاضای ارز مربوط به قاچاق کالا و استثنائات تجاری کاهش یابد (کاهش تقاضای ارز در بازار آزاد مختل شده ارزی). عملیاتی شدن موارد فوق بالحاظ فنی و اداری در صورت حمایت قاطع دولت حداکثر طی شش ماه امکان پذیر می باشد.

- برخورد امنیتی و قضایی جدی با بازار قاچاق ارز: وفق بند "پ" ماده مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ مصوب 1401/1/20 .

- تشدید کنترل قاچاق کالا از محل ها و عوامل توزیع کالاهای قاچاق در داخل کشور گرفته تا در مرزها و تمامی مبادی ورودی و خروجی با کنترل فیزیکی و کنترل اسناد، کنترل برنامه در مسیرهای انتقال و کنترل صندوق های فروش در مبادی مصرف مطابق با قانون مبارزه با قاچاق کالا.

ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز موظف است میزان پیشرفت اجرای قانون در دستگاه های مختلف را با ذکر اسامی مسئولینی که به تکلیف خود عمل نکرده اند به صورت شفاف در سایت خود قرار دهد.

- نظارت دقیق بر اولویت بندی و تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی و نهادهای تولیدی. تخصیص ارز برای امور خدماتی همانند مسافری، درمانی و دانشجویی براساس تعرفه های اعلامی و ضروری بودن نوع خدمات تعیین خواهد شد.

## 2-ب) مدیریت (افزایش) عرضه ارز در بازار رسمی:

اجرای دقیق تبصره 6 جزء "ح" ماده 2 مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ مصوب 1401/1/20 و همچنین صادرکنندگانی که با تاخیر ارز را عرضه می‌کنند (بخصوص دولتی و شبه دولتی). به منظور تامین ارز مورد نیاز واردات رسمی است کلیه صادرکنندگان موظفند گردند که صددرصد ارز حاصل از صادرات خود را از طریق سامانه نیما به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز بفروشند.

برای اطمینان از بازگشت ارز صادرکنندگان به سامانه نیما اقدامات ذیل باید صورت گیرد.

1) کلیه صادرکنندگان موظف شوند که درخواست‌های صادرات خود را ابتدا در سامانه جامع تجارت ثبت و پس از کنترل اعتبار صادرکننده و رعایت مقررات به صادرات از طریق گمرک پردازند.

2) هرگونه صادرات ریالی ممنوع بوده و صادرکنندگان مکلف به ارایه ارز حاصل صادرات (ارز بین‌المللی و یا ارز محلی کشور مقصد صادرات) بوده و هرگونه استثنا در این باره لغو گردد.

3) اعمال کلیه معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های صادراتی و نرخ‌های مخفف یارانه‌ای انرژی (برق، گاز و غیره) تنها در صورت ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان امکان پذیر است.

4) نظام ارزی فعلی ایران از دیرباز براساس نوع گستره تجارت آن گسترش نیافته است. به این معنی که عمده تجارت ایران با شرق اما بسترهای پولی و ارزی ایران در غرب تعریف شده است. لذا لازم است تا تغییرات اساسی در این خصوص اعمال گردد. این تغییرات باید در یک کارگروه کارشناسی بررسی و پیشنهادات لازم ارایه شود.

## 3-ب) تقویت حاکمیت ریال و کنترل تبادلات ریالی در بازار آزاد مختل شده ارزی:

هرچند سیاست‌های کنترل تقاضا و افزایش عرضه می‌تواند به کوچک شدن بازار آزاد مختل شده ارزی و کنترل نرخ توسط دولت کمک نموده و به تدریج بازار رسمی و رقابتی شکل گرفته و نقش رهبر را در تعیین نرخ بدست بگیرد، لیکن جهت محدود نمودن بیشتر این بازار مختل شده، در صورتی که تبادلات ریالی که منجر به تقاضا و خرید ارز از این بازار می‌شود را نیز کنترل نمود، می‌توان امیدوار بود که بازار آزاد مختل شده ارزی محدود و محدودتر گردد. به این منظور اجرای موارد ذیل ضروری می‌باشد.

1) پیگیری اجرای کامل قانون مبارزه با پولشویی در جهت تقویت حکمرانی ریال با رصد دقیق تر تراکنش‌ها و استفاده از روش‌های هوشمند تحلیل داده جهت کشف موارد مشکوک (پولشویی، فرار مالیاتی، تبادلات مالی قاچاق و خرید و فروش غیرقانونی ارز و سکه) در سامانه‌های امنیتی همانند (فاش) بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دیگر

سامانه های اطلاعاتی.<sup>۴</sup> در ضمن آیین نامه های قانون مبارزه با پولشویی با فوریت به ویژه در خصوص 3 موضوع ذیل به تصویب رسیده و عملیاتی شود (با هدف کنترل گردش ریالی کالاهای قاچاق، فرار سرمایه و غیره):

✓ تعیین سطح فعالیت مشتری (کنترل انتقال وجوه قاچاق و خرید ارز توسط افراد و شرکت هایی که واردات رسمی ندارند)

✓ تفکیک حسابهای شخصی و تجاری

✓ محدودیت ارائه خدمات به افراد مظنون

2) سیستمی نمودن درج علت تراکنش در مبالغ بیش از دو میلیارد ریال از طریق سامانه جامع تجارت و فاکتورهای رسمی.

3) خرید و فروش هرگونه دارایی های رمزگذاری شده غیرمجاز همانند بیت کوین و غیره، غیرقانونی اعلام شده و در حکم خرید و فروش غیر مجاز ارز تلقی گردد. در این خصوص لازم است تا سریعاً قانون ممنوعیت خرید و فروش دارایی های رمزگذاری در مجلس و یا به صورت فوری در جلسه سران به تصویب برسد.<sup>۵</sup>

4) اجرای کامل قانون مبارزه با ارز و کالای قاچاق و ممنوعیت نگهداری هرگونه ارز، سکه، طلای آب شده و شمش طلا بدون فاکتور و رسید رسمی. خرید و فروش سکه، شمش و مسکوکات طلا در راستای تبصره 4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق، بصورت فاکتورهای رسمی و سیستمی انجام گیرد (آیین نامه در اسرع وقت تصویب و عملیاتی شود).<sup>۶</sup>

---

<sup>4</sup> متأسفانه برخی از موارد پولشویی و فرار مالیاتی در صندوق های قرض الحسنه رخ می دهد و از آنجا که هنوز این صندوق ها در کنترل و نظارت کامل بانک مرکزی نیستند، نیاز است که کل ریز تراکنش های داخلی آنها به صورت برخط چک شوند. مکانیزم و ساختار کشف تقلب پولشویی و فرار مالیاتی باید مورد بازبینی قرار گیرند و از روش های هوشمند (بیگ دیتا و هوش مصنوعی) استفاده گردد.

<sup>5</sup> تمام مجوزهای قبلی درباره ماینینگ، فروش برق و خرید دارایی های رمزگذاری لغو شده و ظرف یکماه از این تاریخ تمام اشخاص حقیقی و حقوقی حق خرید و فروش دارایی های رمزگذاری نخواهند داشت. در صورت کشف هرگونه خریدفروشی در هر شرکتی (اعم از صرافی، طلافروشی یا فرد حقیقی) بلافاصله مجوز فعالیت باطل شده و تمام حساب های شرکت و اعضای هیات مدیره بسته خواهند شد. حق الکشف نیز به مخبر و کشف کننده های این تخلف تعلق خواهد گرفت. همچنین تمام دستگاه های ماینینگ باید تحویل نیروی انتظامی شده و در صورت کشف، علاوه بر توقیف دستگاه ها، مکان های کشف شده نیز تا زمان پرداخت جریمه و حق الکشف پلمپ شده و در صورت عدم پرداخت در مهلت مقرر، مکان توقیف شده مورد بهره برداری (چه در اجاره یا مالکیت باشد) در مزایده به فروش خواهد رفت.

<sup>6</sup> لازم است وزارت صمت سکه طلا و نقره، شمش و طلا و نقره آب شده را جزو کالاهای مجاز مشروط اعلام کرده و قوانین کشف قاچاق کالا و ارز در مرزها با شدت و قدرت اعمال شود.

-اجرای جدی قانون مبارزه با قاچاق ارز و طلا در تمامی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی داخل کشور و ممنوع کردن صرافی‌ها به خرید و فروش ارز اسکناس، سکه و شمش طلا و فلزات گرانبها از/به این شرکت‌ها و نهادهای.<sup>۷</sup>

-تقویت سامانه‌های موجود برای ثبت معاملات قانونی ارز و سکه‌های طلای تحویلی مردم به صرافی‌های بانکی (به نمایندگی از مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی). در این رابطه لازم است اقدامات زیر سریعاً انجام شود:

-رفع اشکالات سامانه ثبت معاملات ارز صرافی‌ها (سنا) که چندین سال است راه اندازی شده است.

- ایجاد سامانه ارزی جهت ثبت معاملات با قابلیت واردکردن اطلاعات مستمر و برخط صرافی‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی توسط بانک مرکزی مطابق تبصره 3 ماده 12 قانون مبارزه با قاچاق ارز و کالا.

-تداوم ثبت معاملات سکه در بورس درسامانه ثبت معاملات سکه.

-اجرای قانون ثبت معاملات سکه غیربورس و غیرمرکز مبادله در سامانه جامع تجارت.

-ثبت معاملات طلا در سامانه مودیان سازمان مالیاتی.

5) کلیه ایران چک‌های موجود در بازار طی یک فرآیند 4 ماهه ابطال و با گسترش خدمات الکترونیک و به خصوص کیف پول الکترونیکی نیاز نقدینگی تامین شود.

6) اجرای ماده 163 قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحی 1380/11/27)<sup>۸</sup>

---

<sup>7</sup> کلیه بانکهای تجاری، مؤسسات پولی و مالی تحت هر عنوان از جمله صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه، کلیه اشخاص حقوقی وابسته به بخش عمومی مانند شهرداری‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، بنیادها، نهادها و شرکت‌های وابسته به آنها (ولو با یک درصد سهم) مکلفند ظرف 3 ماه از زمان اعلام این قانون هر گونه دارایی خود از جمله ارز و سکه و شمش طلا و طلای اب شده را صرفاً در مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی به فروش رسانده و مدارک مثبت‌ه را نگهداری نمایند. اجرای این قانون بر عهده هیات مدیره شرکت است. البته میزان ارز و طلای مجاز خود بانک‌ها و صرافی‌های وابسته به آنها توسط بانک مرکزی تعیین شده و این مقدار مستثنی خواهد بود. شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها شامل این استثنا نخواهند بود. حسابرس‌ها مکلفند در صورت مشاهده هر گونه تخلف در این زمینه، سریعاً از طریق قانون حسابداران و و بازرسان قانونی نیز مکلف به ارسال تخلف‌ها به وزارت اقتصاد و دارایی هستند. مخبرها و عوامل کشف هر کدام از 10٪ پاداش برخوردار خواهند بود و بانک مرکزی با کمک نیروی انتظامی باید ارز و طلای قاچاق را در اختیار بگیرد.

<sup>8</sup>طبق قانون ماده 163، سازمان امور مالیاتی کشور مجاز است که مشمولان مالیات را در مواردی که مالیات آنان در موقع تحصیل درآمد کسر و پرداخت نمی‌شود کلاً یا بعضاً مکلف نماید در طول سال مالیات متعلق به همان سال را به نسبتی از آخرین مالیات قطعی شده سنوات قبل یا به نسبتی از حجم فعالیت به طور علی‌الحساب پرداخت نمایند. پیشنهاد این است هر گاه ورودی به یک حساب از حد مشخصی گذشت، یک درصد از این مبلغ در پایان وقت اداری بانکها، خودکار در حساب شخص بلوکه شده و یکماه بعد به سازمان مالیاتی ریخته شود تا بعداً روی آن مالیات آن محاسبه یا تفاهم صورت پذیرد. طی یکماه فرد باید اسناد مثبت‌ه مثل معامله مسکن یا خودرو را به مالیات ارائه دهد تا پول برگردد.



#### 4-ب) اصل تک نرخي بودن نرخ ارز

اصل تک نرخي بودن ارز رسمي براي تمامی مصارف ضروري ارزی همانند کالاهای اساسی، مواد اولیه توليد و کالاهای سرمایه‌ای و عدم پذيرش و قبول هرگونه نرخ دوم نظير بازار توافقی، مرکز مبادله ارز و طلا و يا غيررسمی یکی از ضروري‌ترین سياست‌های ارزی است.

سياست تک نرخي ارز در بعد از انقلاب سه بار در سال‌های 1371، 1381 و 1397 اجرا شد. در مورد سال‌های 1371 و 1381 قبلا توضیحاتی داده شد. در بیستم فروردین ماه 1397 بانک مرکزی اطلاعیه شماره یک را منتشر کرد که در آن کلیه صادرکنندگان و واردکنندگان ملزم شدند تا عرضه و تقاضای ارز خود را صرفاً در سامانه نیما<sup>9</sup> و فقط نرخ 4200 تومانی انجام دهند. علاوه براین کلیه مبادلات ارزی در خارج از سامانه نیمایی قاچاق محسوب می‌شد. گرچه مجموعه این سياست‌های بسته مناسب ارزی را در آن زمان ارایه می‌کرد اما اجرای ناقص و غلط منجر به شکست این بسته سياستی شد. چراکه اولاً ارز 4200 تومانی را تقریباً به اکثریت مصارف ضروري و غير ضروري تخصیص می‌داد. در سال 1397 بانک مرکزی اقدام به انتشار لیست 53 صفحه‌ای کرد که در آن فهرست کالاهای مشمول ارز 4200 را نشان می‌داد. در مجموعه این کالاها اقلامی همچون، اتوبرقی، اتوخانگی، پرسی، بخارشو، جاروبرقی، چای، چای ساز و قهوه ساز، فراجاق گاز، کاغذ تحریر A4، ماشین لباسشویی، موز، یخچال، نخود و اقلامی از این نوع را نشان می‌داد که حکایت از ناکارایی بانک مرکزی در تخصیص منابع کمیاب ارزی داشت. علاوه براین، برخی گزارش‌ها در مورد واردات برخی از اقلام و واردکنندگان آنها نشان می‌داد که به جای دارو، بخارشوی وارد شده است. تیم فوتبال اقدام به واردات تاپر خودرو کرده است. یک شرکت خودرو سازی، چای وارد کرده است و یا شرکت واردکننده پارچه، 120 هزار یورو لوبیا چیتی وارد کرده است. برخی از اصناف در مورد برخی از واردکننده‌ها اعتراض داشتند که مثلاً وارد کننده کاغذ جز این صنف نبوده و معلوم نیست ارز تخصیصی منجر به واداد این کالا شده است یا نه؟ و يا برخی از وارد کنندگان لوازم خانگی مورد تایید صنف مربوطه نبوده است.

ثانیا دولت در 1397/4/4 یعنی دقیقاً سه ماه بعد از اطلاعیه شماره یک بازار ثانویه ارز را راه‌اندازی کرد. در این بازار صادرکنندگان ارز مجاز شدند تا ارز خود را به نرخ توافقی به واردکنندگان بفروشند و حق استفاده از گواهی صادراتی در بازار بورس (فقط کالاهای گروه سوم) به آنها داده شد. بنابراین این بسته سياستی در مورد یکسان سازی نرخ ارز هیچگاه اجرا نشد و تا اردیبهشت سال 1402 کلیه اقلام مشمول ارز 4200 تومانی حذف شد. سوال مهمی که اکنون مطرح می‌شود آن است که با اتخاذ سياست یکسان سازی نرخ ارز، مکانیزم تعیین نرخ چگونه باشد؟

اولین پاسخی که به ذهن خطور می‌کند این است که ارز هم همانند سایر کالاها باید نرخ آن در بازار تعیین شود. می‌دانیم که در چهارچوب مبانی علم اقتصاد و اقتصاد خرد هنگامی که در مورد بازار و نقش قیمت در تخصیص

<sup>9</sup> نظام یکپارچه مدیریت ارزی (نیما)

منابع بحث می‌شود، تنها بازاری که منجر به کشف قیمت کاراء و تخصیص منابع کاراء و شرایط بهینه پرتو می‌شود، بازار رقابت کامل است. آیا در اقتصاد ایران چنین «بازار منسجم ارزی» که توانایی «کشف قیمت کاراء ارز» را داشته باشد، داریم؟ عناصر بازار شامل دو بخش عرضه و تقاضا می‌باشد. در بخش عرضه ارز که حاصل کل درآمدهای ارزی کشور است بیش از 50 درصد از کل درآمدها ناشی از درآمدهای نفت و گاز است.<sup>10</sup> همچنین بیش از 35 درصد از کل صادرات غیرنفتی نیز به محصولات پتروشیمی تعلق دارد. در طرف تقاضا نیز بیش از 85 درصد از کل واردات مربوط به نهادهای تولیدی است. این ترکیب درآمدهای و نوع واردات محصول موجب کاهش حساسیت عرضه و تقاضای ارز نسبت به نرخ ارز شده است و لذا امکان کشف قیمت در این بازار وجود ندارد.

لازم به ذکر است که بازارهای مصنوعی که بانک مرکزی تحت عناوین سامانه (بازار) نیمایی یا مرکز مبادله ارز و طلا ایجاد کرده است هیچکدام ویژگی‌های یک بازار منسجم ارزی را ندارند و نرخ آنها دقیقاً متأثر از نرخ بازار آزاد (قاچاق) و توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. البته سامانه‌های مورد استفاده در این مراکز جهت تخصیص ارز قابل استفاده می‌باشند.

ممکن این سوال مطرح شود که آیا بازار ارز آزاد (قاچاق) می‌تواند نرخ مناسب ارز را کشف کند؟ برای پاسخ به سوال لازم است عناصر و بازیگران تشکیل دهنده طرف عرضه و تقاضای این بازار را مورد بررسی دقیق قرار دهیم.

#### الف- عرضه کنندگان بازار آزاد

عرضه کنندگان ارز در این بازار شامل چهار گروه هستند.

1- امتناع صادرکنندگان غیر نفتی به ارائه ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی، بانک‌ها و صرافی‌های مجاز با نرخ اعلامی بانک مرکزی.

صادرکننده غیرنفتی ارز خود را باید به مراکز رسمی تعیین شده از سوی بانک مرکزی به فروش برساند. معمولاً برخی صادرکنندگان به دلیل اختلاف قیمت ارز بازار آزاد (قاچاق) با نرخ تعیین شده، ترجیح می‌دهند ارز حاصل از صادرات غیرنفتی خود را در بازار آزاد به فروش برسانند که خلاف قانون است.

2- قاچاقچیان صادرکننده کالا.

یکسری «قاچاقچیان صادر کننده» کالا هستند که ارز حاصل از صادرات این نوع کالا را در بازار آزاد به فروش می‌رسانند.

3- مدخلات بانک مرکزی

منظور تزریق های ارزی است که بانک مرکزی برای جلوگیری از نوسانات ارزی در این بازار انجام می‌دهد.

نماگرهای، اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا سال 1402.<sup>10</sup>

#### 4- سفته بازی و ارزهای خانگی

مردم در شرایی توری جهت حفظ قدرت خرید پول خود اقدام به خرید ارز در بازار آزاد می‌کنند و در شرایطی اقدام به فروش آن می‌کنند.

#### ب- تقاضاکنندگان بازار آزاد

تقاضاکنندگان ارز در این بازار شامل شش گروه هستند.

#### 1 - عدم تامین ارز واردکننده‌های رسمی از مراجع رسمی

بخشی از تقاضا، مربوط به «واردکننده‌های رسمی» است که به اندازه کافی ارز به نرخ رسمی یا بازار مبادله یا نرخ نیمایی توسط بانک مرکزی به آنها عرضه نمی‌شود؛ بنابراین مجبور می‌شوند از بازار آزاد ارز تهیه کنند. گرچه نوع تقاضای کالایی این افراد رسمیت دارد و موجه است، ولی به دلیل ضعف عملکرد دولت در تامین ارز است که مجبور به ورود به این بازار می‌شوند و سرریز نیاز آنها وارد این بازار می‌شود.

#### 2- قاچاق کالا

گروه دیگر قاچاقچیان کالا هستند که «واردات قاچاق» انجام می‌دهند. این گروه که متقاضی بخش قابل توجه‌ای از ارز بازار آزاد هستند، از طریق این بازار منابع ارزی خود را تامین می‌کنند.

#### 3- فرار سرمایه

سومین گروه افرادی هستند که منشا «خروج سرمایه» از کشور می‌باشند. کسانی که مایل هستند بنابر دلایلی از کشور خارج شوند و مکان زندگی و یا کسب خود را جابجا کنند.

#### 4- ارز مسافری

چهارمین گروه، مسافرانی هستند که تمایل به سفر به خارج از کشور را داشته و نیاز به ارز دارند. طبیعی است استفاده از منابع کمیاب ارزی برای مسافرت‌هایی که صرفاً تفریحی هیگونه توجیه عقلایی ندارد.

#### 5- سفته بازی

پنجمین گروه «سفته‌بازی» توسط برخی از افراد جامعه است. این افراد بنابر دلایل کسب سود و یا حفظ قدرت خرید اقدام به سفته بازی در بازار ارز آزاد می‌کنند که قانونی نیست.

#### 6- تقاضاهای سازمان یافته از سوی دشمنان خارجی

ششمین گروه تقاضاهای سازمان یافته از سوی دشمنان خارجی است. اکنون که در شرای جنگ اقتصادی قرار داریم کشورهای متخاصم با دخالت در این بازار و افزایش تقاضا به دنبال مختل کردن این بازار و در نتیجه اقتصاد کشور را دارند.

بنابراین ماهیت عرضه و تقاضای این بازار نشان می‌دهد بازار آزاد ارز غیرقانونی و لااقل براساس نیازهای واقعی جامعه نیست. به لحاظ قانونی و عقلایی هیچکدام از تقاضای مربوط به ارز خانگی، مسافری، خروج سرمایه، قاچاق، دخالت خارجی و حتی نیازهای تامین نشده بخش واقعی اقتصاد (به دلیل عملکرد نامناسب بانک مرکزی) نباید وجود داشته باشد. بنابراین بازاری که به عنوان «بازار آزاد» وجود دارد و نرخ ارز در آن تعیین می‌شود و متأسفانه دولت در قیمت‌گذاری ارز از آن تبعیت می‌کند، وفق بند "پ" ماده 2 مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1401/01/20، غیرقانونی است.

لذا با توجه به اینکه متغیر نرخ ارز یک متغیر بسیار مهم و کلیدی است و در تمام شئون زندگی و معیشتی جامعه اثرگذار است؛ واگذار کردن تعیین نرخ به این بازار یعنی در جنگ اقتصادی اختیار دادن به سفته باز و دلال و قاچاقچی و دشمن خارجی در تعیین این متغیر کلیدی و دخالت آنها در شئون زندگی و معیشتی آحاد جامعه. در مورد تعیین و محاسبه نرخ ارز در شرایطی که بازار منسجم ارزی وجود ندارد، در "کتاب جعبه سیاه تضعیف ریال" مفصل بحث شده است و الگوی محاسبه نرخ ارز ارایه شده است. براساس این الگو نرخ ارز برای سال 1397 معادل 43138.85 ریال تعیین شده است.

### **ج) ساماندهی صرافی‌ها و استفاده بهینه از ظرفیت آنها**

تا زمان ایجاد بازار منسجم ارزی که نیازمند افزایش صادرات غیرنفتی، کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز جهت مصارف جاری، شکست ساختارهای انحصاری صادرات غیرنفتی و ایجاد سایر بسترهای مناسب، فعالیت صرافی‌ها باید به شدت محدود شود. کلیه صرافی‌های غیر مجاز باید سریعاً حذف شوند. با توجه به تخصیص منابع ارزی در شرایط عدم وجود بازار منسجم ارزی توسط دولت و بانک مرکزی، چند صرافی مشخص و کاراء برای انجام معاملات ارزی تعیین شود. همچنین در جهت تسهیل مبادلات ارزی و مشکلات ناشی از تحریم می‌توان از ظرفیت صرافی‌های خارجی (با اخذ ضمانت ارزی) برای فعالیت در سامانه‌ی نیما 2 نیز استفاده کرد.

### **د) پیوست رسانه‌ای و فضای مجازی این سیاست‌ها**

در شرایط کنونی فضا سازی رسانه‌ای به نفع این سیاست‌ها نیست و لازم است اجرای این سیاست‌ها به منظور مقابله با جنگ رسانه‌ای و مجازی با یک پیوست رسانه‌ای همراه باشد.

در انتها لازم است به این نکته مهم توجه شود که مجموعه اقدامات فوق باید به صورت یک مجموعه با هم اجراء شود. نمی توان یکی از آنها را اجراء کرد و به مابقی توجه نکرد. اجراء ناقص و یا ضعیف هر کدام از محورهای فوق، باعث شکست این سیاستها و گسترش بازار قاچاق ارز(غیررسمی) و در نهایت حاکم شدن نرخ دوم و انتظارات تورمی جامعه خواهد شد.

### **ه) تکمیل سریع پایگاههای اطلاعاتی**

لازمه موفقیت در اجراء هرگونه سیاست اقتصادی و هدفمند، وجود پایگاههای اطلاعاتی کارایی است که در آن کلیه فعالیتهای اقتصادی بازیگران اقتصادی قابل رصد باشد. با توجه به وجود بسترهای قانونی مکفی و زیربنای فناوری اطلاعاتی کشور، با یک همت ملی و تلاش جهادی در کمتر از یک سال می توان این پایگاه اطلاعاتی را به بهره برداری رساند. تکمیل این پایگاه اطلاعات منشاء یک تحول عظیم در اتخاذ سیاستهای اقتصادی و مباره با فساد اقتصادی در کشور خواهد شد.

پیوست 1:

صفحاتی از برنامه تعدیل اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران

سازمان برنامه و بودجه

ستری

\* برنامه تعدیل اقتصادی

بر اساس تجدید نظر در نرخ ارز و جبرائلی اقتصادی آن

معاونت امور اقتصادی

دفتر اقتصاد کلان

اسفند ۱۳۶۹

ستری

نرخ برابری پول های رایج از مهم ترین متغیرهای اقتصاد است، که در همه کشورهای بالاخص کشورهای در حال توسعه بعین نقش حیاتی ارز خارجی همیشه مطرح بوده است. در ایران پس از پیروزی انقلاب، نرخ برابری ریال از جمله مسائلی بود که در سطح بسیار وسیع مطرح شده و در طول سالهای اخیر همواره بحث‌هایی بر سر اینکه کدام سیاست ارزی مطلوب است، صورت گرفتند. اما بهر حال سیاست ارزی مشخصی که ضامن توسعه و ترقی کشور باشد حاصل نشد و هر ساله با توجه به وضع قوانین و مقررات جدید و شرایط جاری کشور سیاست موردی خاص که احياناً " ضد نخبی نیز بودند، اعمال می گردید. خوشبختانه پس از تصویب برنامه اول، با توجه به اعلام سیاست‌های جدید ارزی مانند فروش ارز رقابتی، گشایش مجدد صرافی‌ها و فروش ارزی با قیمت آزاد و مجاز شمردن واردات برخی از کالاها و اخیراً " یکسان نمودن قیمت ارز رقابتی و ترجیحی، بنظر می رسد که حرکت‌ها از جهتی منطقی و بسوی تعادل و ثبات قیمت‌ها پیش میروند و مهم تر اینکه این پذیرش حاصل شده است که نرخ واقعی ارزی مراتب بیشتر از نرخ ۷۰ ریال میباشد و نیز این مطلب مورد توافق سیاست گذاران است که هرگونه بی‌نظمی و اغتشاش در بازار ارز، کل اقتصاد را دستخوش تزلزل خواهد کرد. و بنا بر این سعی دولت بر آن شده که بازار ارز را هر چه بشتر به تعادل نزدیک کند.

ارز خارجی همانند سایر کالاها در بازار دارای قیمتی است که نقطه تعادلی آن بر حسب میزان عرضه و تقاضا معلوم میگردد. اما از آنجا که تولیدکننده اصلی ارز در نظام اقتصادی ما، دولت میباشد که به نمایندگی از طرف آحاد جامعه، انحصار آن را بعهده دارد. لذا این سؤال مطرح است، ثروتی که متعلق به ملت است به چه قیمتی بایستی در اختیار آنها قرار گیرد؟ اگر به این سؤال پاسخ دهیم در این صورت عملاً " مکانیزم آنرا روشن کرده ایم. در پاسخ به این سؤال دو راه حل مطرح میشود. ۱- عرضه ارز طبق قانون بازار ۲- عرضه ارز خارج از علامت بازار، بطوریکه قیمت آن طبق اهداف از قبیل تعریف شده، تعیین شود. راه حل اخیر، راهی است که در سالهای اخیر در اقتصاد کشور ما عمل میشده است و این امر اشکالاتی در اقتصاد ما بوجود آورده است و با حداقل معتقدیم که تبعات این نوع سیاست

عرضه ارز دارای آثار سوء اقتصادی است و آن اختلال در تعادل اقتصادی بخش‌های مختلف است. اگر در این باور راسخ باشیم که ایجاد تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی یکی از حرکت‌های اولیه و ضروری در جهت تحقق روند سالم‌سازی بافت‌های اقتصادی است، در این صورت مداخلات کار را با بایستی با تجدید نظر در نرخ‌های تخصیص ارز همراه آورد. این مقدمات راه را در رسیدن به نرخ ارز تعادلی هموار خواهد ساخت. در این راستا یکی از راه‌های ممکن، پذیرش تدریجی مکانیزم بازار در تعیین قیمت ارز می‌باشد. در شرایط فعلی فاصله تعیین نرخ ارز بر اساس بررسی‌های اقتصادی و در چارچوب نظام اقتصادی از قبل تعریف شده، مشخص نیست لذا نمی‌توان به نرخ خاصی که مبین نرخ تعادلی باشد، اشاره صریح داشت. از آن گذشته شناخت و اطلاع از اسن نرخ، تنها بیا نگر وضعیت تعادلی اقتصادی در یک مقطع خاص زمانی است که با توجه به پویا بودن سایر متغیرها، این متغیر نیز وضعیت ایستایی نخواهد داشت. لذا اشراف به یک نرخ معین حتی اگر آن یک نرخ تعادلی باشد در طول زمان نمیتواند متضمن تعادل‌های اقتصادی آتی گردد. البته تا زمانیکه شکاف بین نرخ تخصیصی ارز و نرخ تعادلی بازار فاحش باشد اختلال در تعادل‌های اقتصادی کماکان وجود خواهد داشت. این نکته بدیهی است که نرخ تخصیصی ۷۰ ریال که در شرایط حاضر بعین‌سوان نرخ رسمی ارز می‌باشد، فاصله بسیاری با نرخ تعادلی دارد. و تفکر جدید در سطوح تصمیم‌گیری جهت ارتقاء این نرخ به ۶۰۰ ریال در واقع پذیرش بدون جدال اصلاح نرخ ارز در جهت نرخ تعادلی بازار است. و این در واقع یک قدم مثبت و هماهنگ جهت نیل به نرخ ارز تعادلی است. بنا بر این اگر منطق حرکت به نرخ‌های تعادلی در سطوح تصمیم‌گیری پذیرفته شده باشد. در این صورت هرگونه حرکت و قدمی که با نرخ ارز مربوط میگردد باید این ارتباط سازگار را با شرایط تعادلی بازار مدنظر داشته باشد. در این مقطع زمانی با بستی دید چه گام‌هایی جهت نرخ تعادلی در طی زمان بایستی پیموده شود. در اینجاست که بعد از زمانی محدودکننده اصلی جهت اعمال نرخ تعادلی در تخصیص منابع ارزی مطرح میگردد. نرخ ارز ۶۰۰ ریال که در شرایط فعلی در فرآیند اصلاح نرخ ارز منظور گردیده است، فاصله زیادی با نرخ تعادلی بازار دارد. وجود نرخ بالاتر از ۱۴۰۰ ریال در بازار آزاد بهترین گواه برای مدعا است البته نباید از نظر دور داشت که در شرایط فعلی اعمال یکباره نرخ تعادلی ممکن است در کوتاه مدت پیامدهای نامطلوبی از جمله افزایش سریع قیمت بسیاری از کالاها و کاهش رفاه طبقات محروم. کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی برای خرید ارز و گران شدن محصول برخی



از واحدهای تولیدی بنحوی که قادر به یافتن مشتری برای محصول خود نباشند، را بدینسان داشته باشد و بدین لحاظ از نقطه نظر ملاحظات سیاسی نوجیه آن منطقی نمیباشد. اما اکنون که در شرایط فعلی، اعمال نرخ ۶۰۰ ریال بعنوان یک گام مثبت در جهت سالم سازی نظام ارزی پذیرفته شده بایستی بر آن شذکه فرآیند مزبور به نحو مطلوب صورت پذیرد، بطوریکه مقدمات تحقق کامل تعادل اقتصادی را تا پایان برنامه فراهم سازد.

در همین راستا بمنظور اعمال نرخ ۶۰۰ ریالی برای اقلام کالاهای با ارز دولتی فعلی، و نیز انتقال بعضی از کالاهای با ارز ۶۰۰ ریالی به سیدکالاهای با ارز شناور، مطالعه تفصیلی آماری در چارچوب یک سری تعاریف و طبقه بندیهای اقتصادی انجام گردید. این مطالعه تفصیلی به این هدف کمک خواهد کرد که اگر متراس کالاهای با ارز دولتی به گروه کالاهای با ارز ۶۰۰ ریالی انتقال یابند این امر با چه ضابطه و یا با چه اولویست منطقی اقتصادی صورت پذیرد، اصولاً پس از پذیرش این اصل که باید بسوی نرخ تعادلی ارز حرکت نمود، باید در صد شناخت یک الگو و مکانیزم مناسب برای رسیدن به این نرخ برآمد در این راستا اینکه نرخ ارز چه رقمی باشد آنقدر اهمیت ندارد که کیفیت مکانیزم مذکور. این نکته را هم باید یادآور کرد که یکی از نگرانی‌هایی که غالباً "نقش محدود کننده دارد، این است که تغییر نرخ تخصیصی در گروه‌های مختلف کالائی (چه بصورت تدریجی و یا دفعتاً) سبب افزایش قیمت کالاهای ارزی می‌گردد و در نتیجه تبعات کاهش قدرت خرید اقشار جامعه (با فرض ثبات بودن سطح حقوق و دستمزدها) را به همراه خواهد داشت و دقیقاً "از همین روست که مطالعه ماهیت اقلام کالاهای با ارز دولتی و مضافاً "کلید کالاهای دیگر که بنحوی از ارز تخصیصی استفاده می‌نمایند در شناخت ضوابط اولویت بندی اهمیت خاصی پیدا خواهد کرد. همچنین آثار اقتصادی اعمال نرخ جدید ارز، ایجاد میکند که تصویری کامل از تبعات و پیامدهای آن در چارچوب اصول منطقی نظام با زار داشته باشیم. مطالعه این تبعات مضافاً "این مزیت را خواهد داشت که بطور اتماتیک یک ملاک بسزای زمان بندی و برای اولویت بندی کالاهای ما ارائه خواهد داد و علاوه بر آن درجه ضرورت و اولویت بندی کالاهای تحت پوشش حمایتی را مشخص خواهد ساخت

به این ترتیب بمنظور حصول به اهداف مورد نظر گزارش، ابتدا ضمن مروری بر وضعیت فعلی تخصیص ارز، کلید کالاهایی که به نحوی در پروسه فعالیت تولیدی یا مصرفی آنها ارزی وجود داشت شناسائی گردیدند و سپس ضمن اعمال طبقه بندی‌های بین المللی

و بر اساس ملاحظات افتحائی و دارائی ویژگی کار سرد در حسابهای ملی، نهایتاً " طبقه بندی BEC در مورد کالاها انجام گرفت و با استفاده از این طبقه بندی، کالاها و یا گروه کالاها بد نوع سرمایه های، واسطه های و مصرفی تقسیم شدند. آنگاه با در نظر گرفتن این معیار که هر کالا به چه میزان به بودجه خانوار مربوط میگردد، معیاری جهت اولویت بندی آنها در خصوص انتقال به سبد ارزی گران تر بدست آمد. این معیارها، ضمناً " تدوین چارچوبی سازگار مبتنی بر اولویت بندی زمانی انتقال کالاها را ممکن ساخت. مجموعه اقدامات فوق الذکر در بخش اول گزارش مورد بحث واقع شده است.

از آنجا که تغییر در نرخ ارز تخصیصی و حرکت بسوی قیمت های تعادلی، بعلاوه عدم انعطاف پذیری برخی متغیرهای اقتصادی در کوتاه مدت، تبعات سوء و ناسا مطلوبی را بصورت افزایش ناگهانی قیمتها بدنبال خواهد داشت، جهت مقابله و جبران این آثار بر قدرت خرید اقشاری از جامعه، کلیه کالاها تیکه بعنوان کالا های مصرفی نهائی، در بودجه خانوار نقش دارند و در حال حاضر بصورت کنترل شده و سهمیه بندی توزیع میگردد، در بخش دوم گزارش بررسی شدند و روشهای حمایتی لازم برای حفظ وضعیت رفاه خانوارها در سطح فعلی تدوین و ارائه گردید.

مضافاً " چون افزایش سطح قیمت ها، قدرت بخش خصوصی در سرمایه گذاری و تولید را به سبب کمبود منابع مالی محدود خواهد کرد، در بخش سوم این مجموعه، افزایش لازم در منابع مالی برای اینگونه سرمایه گذارینها بر آورد گردید و پیشنهادها شد که این میزان افزایش در منابع مورد نیاز، از طریق اعطای تسهیلات بانکی در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد و این مطلب در جریان تدوین سیاست های پولی و اعتباری مورد توجه واقع شود.

در بخش چهارم بمنظور جبران قدرت خرید بخش دولتی - دولت و شرکتهای دولتی، ترمیم اعتبارات و تعدیلات لازم در بودجه های سالانه، مورد بحث واقع شده و اثرات درآمدی تغییرات نرخ ارز بر بودجه دولت و نیز بر آورد تغییر هزینه های ارزی بخش دولت و شرکتهای دولتی ناشی از نرخ های جدید تخصیصی، مورد

بررسی واقع شد و بر این اساس و برخی ملاحظات دیگر نهایتاً " ترمیم و تعدیلات  
کمی لازم در بودجه ملحوظ گردید . ضمناً " با توجه به تغییرات بودجه‌ای و اثر آن  
بر خالص‌دهی بخش دولتی به سیستم بانکی و مخافاً " تغییراتی که در بدهی بخش  
خصوصی به سیستم بانکی به لحاظ لزوم افزایش در تسهیلات اعطائی بخش خصوصی  
ایجاد می‌شود، لازم بود که در همین بخش از گزارش نقدینگی بخش خصوصی و نرخ تورم  
با توجه به ملاحظات مزبور برآورد شود .

و با اواخره در بخش پایانی ضمن ارزیابی نتایج حاصله ، خط مشی ها و  
سیاست‌گذاریهای لازم در ارتباط با مسائل قیمت‌گذاری ، واردات ، سیاست‌های  
مالی و بودجه‌ای ، سیاست‌های پولی و اعتباری جهت به اجراء درآمدن برنامه‌های  
که مجموعه حاضر بدست می‌دهد . ارائه و پیشنهاد شده است .

## پیوست 2:

### متن اطلاعیه یکسان سازی نرخ ارز بانک مرکزی در فروردین 1397

#### اطلاعیه یکسان سازی نرخ ارز بانک مرکزی در فروردین 1397:

- 1- از تاریخ 21 فروردین 1397 بانک مرکزی نسبت به تأمین ارز برای تمام نیازهای قانونی تجاری و تولیدی در چارچوب قوانین و مقررات صادرات و واردات و مقررات ارزی کشور بر مبنای هر دلار 42000 ریال اقدام می‌کند.
- 2= بر اساس بند (خ) ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هر گونه خرید و فروش ارز خارج از سیستم بانکی و صرافی‌های مجاز قاچاق محسوب شده و نهادهای ذیصلاح با مرتکب بر اساس قوانین و مقررات جاری از جمله قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخورد می‌کنند.
- 3- میزان ارز قابل نگهداری توسط هر شخص بر اساس دستورالعمل صادره توسط بانک مرکزی در تاریخ 21 فروردین 1396 حداکثر 10 هزار یورو یا معادل آن به سایر ارزها بوده و در صورت کشف میزان بیش از آن در اختیار هر شخص، با مرتکب بر اساس قانون برخورد خواهد شد.
- 4- تمام اشخاصی که سابقاً اقدام به خرید ارز به صورت اسکناس کرده‌اند و در تاریخ صدور این اطلاعیه بیش از 10 هزار یورو یا معادل آن ارز در اختیار دارند، حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه سال جاری نسبت به سپرده‌گذاری ارز در بانک‌های مزبور یا فروش آن به بانکها اقدام کنند.
- 5- تأمین ارز تمام واردات به کشور پس از ثبت سفارش انجام می‌شود. ثبت سفارش صرفاً با پرداخت از طریق مسیر بانکی مجاز است.
- 6- بانک‌ها علاوه بر انجام حواله توسط خود می‌توانند پس از تشکیل پرونده و اخذ تعهد از واردکننده، نسبت به ثبت درخواست ارز به صورت حواله در سامانه نیما و همچنین حواله ارز از طریق صرافی‌ها اقدام کنند.
- 7- تمام صادرکنندگان موظفند ارز حاصل از صادرات را به جز مواردی که صرف واردات توسط خود، بازپرداخت بدهی ارزی و یا سپرده‌گذاری می‌کنند، از طریق سامانه نیما به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز بفروشند.
- 8- ضوابط مربوط به تأمین ارز برای مسافران به خارج از کشور، دانشجویی و درمانی و سایر موارد در مبادی خروجی همزمان با فراهم شدن تمهیدات آن اطلاع‌رسانی خواهد شد.

### پیوست 3:

#### تبعات جهانی سازی اقتصاد ملی با سپردن تعیین نرخ ارز به بازار آزاد (بازار سیاه و ناکارآی فعلی)

همانطور که پیشتر بیان شد، از سال 1378 به مرور تمام بندهای تفاهم‌نامه با صندوق بین‌المللی پول در کشور تصویب شد. یکی از این قوانین موسوم به جهانی فروشی منابع ملی به داخل در ماده 71 قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی مصوب 1380/11/27 قرار داشت. طبق این قانون، پالایشگاه‌ها اجازه یافتند فرآورده‌های ویژه خود را (مانند پروپیلین، بوتان، وکیوم باتوم و ...) به قیمت جهانی به شرکت‌های تبدیلی و پتروشیمی‌های داخل عرضه کنند.

متن این قانون به شرح زیر بود :

ماده 71 - به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران اجازه داده می‌شود به منظور حفظ و صیانت از سرمایه‌های ملی، قیمت فرآورده‌های نفتی به جز (نفت گاز و نفت سفید، نفت کوره و بنزین، گاز طبیعی مصرفی داخل کشور) را براساس قیمت‌های جهانی و با رعایت صرفه و صلاح کشور تعیین و به فروش برساند.

قدم بعدی آغاز فروش نفت ملی به پالایشگاه‌های داخلی بر مبنای قیمت‌های جهانی بود که برای نخستین بار در بند «ج» تبصره 11 قانون بودجه سال 1386 آمد :

ج - به منظور تنظیم رابطه دولت و وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط و اعمال حق مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز کشور، به دولت اجازه داده می‌شود (با رعایت اصل مالکیت منابع نفتی و گازی ایران) برای سال ۱۳۸۶ نسبت به عقد قرارداد بین وزارت نفت و «وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط» براساس مقررات این بند اقدام نماید.

در آیین‌نامه اجرایی بند «ج» تبصره 11 قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب تاریخ 1386/04/19 هیات وزیران نیز آمده است:

ماده 4 - در سال ۱۳۸۶ نفت خام خوراک پالایشگاه‌های داخلی بر مبنای (۹۳/۷) درصد متوسط بهای نفت خام صادراتی از مبادی اولیه در هر ماه از سوی شرکت ملی نفت ایران به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران فروخته می‌شود.

ب- قیمت آزاد فرآورده‌های نفتی موضوع ماده (۶) این آیین‌نامه براساس میانگین وزنی قیمت‌های وارداتی یا صادراتی حسب مورد و در صورت نبودن قیمت وارداتی یا صادراتی، میانگین ماهانه قیمت صادراتی خلیج فارس در آن ماه خواهد بود که توسط وزارت نفت اعلام می‌شود. همچنین در بند «ج» ماده واحده 7 قانون بودجه سال 1387 آمده است :

ج- مابه‌التفاوت قیمت آزاد هر لیتر فرآورده‌های نفتی تولید داخلی و قیمت فروش تکلیفی آنها در داخل کشور در دفاتر شرکت‌های پالایش نفت به حساب بدهکار شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ثبت و از آن طریق در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل) ثبت می‌شود.

در بند یک از ماده 1 قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب 1393/12/13 نیز آمده است :

۱- قیمت نفت صادراتی از مبادی اولیه، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت صادراتی از مبادی اولیه در هر محموله است و قیمت نفت صادراتی عرضه شده در بورس متوسط قیمت صادراتی از مبادی اولیه در یک ماه شمسی است و همچنین برای نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و خصوصی نودوپنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است.


اگر بخواهیم نحوه اجرای این قوانین را به زبان ساده بیان کنیم؛ روال کار تا پیش از سال 86 چنین بود که دولت، نفت ملی را با مقداری هزینه حق‌العمل‌کاری ریالی تحویل پالایشگاه‌ها (که آن زمان عمدتاً دولتی بودند) می‌داد و فرآورده‌های اصلی حاصله (بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع) و همچنین فرآورده‌های ویژه (نفتا، پروپیلن، بوتان، پلاتفرمیت، حلال‌ها، وکیوم باتوم و ...) را تحویل گرفته و به قیمت تمام شده ریالی به بازار داخل عرضه می‌کرد، اما از سال 86 به بعد، با اجرای بند مهم دیگر از سیاست‌های تعدیل اقتصادی و نسخه‌های تجویزی صندوق بین‌المللی پول، ناگهان ورق برگشت.

در سال 1386، دولت نفت را به قیمت فوب خلیج فارس (البته با 5٪ تخفیف) به پالایشگاه‌ها فروخت. پالایشگاه‌ها که بعداً اغلب آنها در همان دولت دهم حصولتی و از مدار کنترل حاکمیت خارج شدند، فرآورده‌های اصلی (بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع) را به قیمت فوب خلیج فارس به خود دولت فروختند!

در اینجا پولی رد و بدل نشده و فقط در صورت‌های مالی پالایشگاه و خزانه‌داری دولت ثبت گردید، این اقدامات تبعات بسیار منفی در اقتصاد ایران گذاشت، چراکه طبق قانون جهانی فروشی به داخل (یعنی همان ماده 71 قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی) از این سال پالایشگاه‌ها فرآورده‌های ویژه خود را (پروپیلن، بوتان و وکیوم باتوم و ...) به قیمت جهانی به شرکت‌های تبدیلی و پتروشیمی‌ها عرضه کردند. شرکت‌های پایین‌دستی هم پس

از خرید و عملیات تبدیلی، محصولات خود را به قیمت جهانی به تولیدکنندگان لوازم خانگی و خودروسازان و بازار داخل به قیمت جهانی فروختند و ناگهان اقتصاد کشور با یک شوک مواجه شد. بقیه شرکت‌های نیمه‌خام‌فروش معدنی (فولادی و سیمانی) هم به سرعت جهانی فروشی را انجام دادند.

اسناد دلاری فروشی فرآورده‌های ویژه نفتی را می‌توانید در تغییر سود صورت‌های مالی پالایشگاه‌ها از سال 86 و شرکت‌های پتروشیمی از سال 87 به بعد به وضوح مشاهده کنید.

شرکت پالایش نفت تبریز (سهامی عام)		 شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
صورت سودوزیان برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۸۶		
تجدید ارائه شده		
<b>سال ۱۳۸۵</b>	<b>سال ۱۳۸۶</b>	
میلیون ریال	میلیون ریال	
۱,۱۳۲,۴۸۸	۲۹,۳۰۸,۰۶۲	در آمد حاصل از فروش فرآورده های نفتی
(۶۳۶,۶۳۵)	(۲۶,۲۴۶,۰۵۱)	کسر میشود:
۴۹۵,۸۵۳	۳,۰۶۲,۰۱۱	بهای تمام شده کالای فروش رفته
(۹۷,۱۹۰)	(۱۳۹,۳۴۹)	سود ( زیان ) ناخالص
(۱۰۶,۸۰۵)	(۲۳,۷۳۶)	کسر میشود:
۲۹۱,۸۵۸	۲,۸۹۹,۰۳۶	هزینه های اداری و عمومی
۳۰,۰۷۲	۲۸,۳۱۶	هزینه های استثنائی
۳۲۱,۹۳۰	۲,۹۲۷,۳۴۳	سود ( زیان ) عملیاتی
(۸۹,۹۳۰)	(۷۳۱,۸۳۶)	اضافه میشود:
۲۳۲,۰۱۰	۲,۱۹۵,۵۰۶	خالص سایر درآمدها و هزینه های غیر عملیاتی
		سود(زیان)خالص قبل از کسر مالیات
		مالیات
		<u>سود ( زیان ) خالص</u>

<b>شرکت پالایش نفت اصفهان (سهامی خاص)</b>		
<b>صورت سود و زیان</b>		
<b>سال مالی منتهی به ۱۳۸۶/۱۲/۲۹</b>		
(تجدید ارائه شده) سال ۱۳۸۵	دوره مالی منتهی به ریال ۱۳۸۶/۱۲/۲۹	یادداشت
-	۱۰۶,۰۵۰,۵۹۵,۵۸۹,۷۸۱	۱۸ درآمد فروش
۹۳۷,۰۹۹,۲۴۹,۷۴۰	-	۱۸ درآمد خدمات ارائه شده کسر میشود:
-	(۹۸,۱۱۲,۴۸۶,۰۲۴,۱۴۰)	۱۹ بهای تمام شده کالای فروش رفته
(۴۴۷,۸۷۳,۲۹۲,۶۷۰)	-	۱۹ بهای تمام شده خدمات ارائه شده
۴۷۹,۲۲۵,۹۵۷,۰۷۰	۷,۹۳۸,۱۰۹,۵۶۵,۶۴۱	سود ناخالص کسر میشود:
(۱۲۳,۵۸۰,۰۲۷,۵۱۲)	(۲۳۸,۴۳۱,۱۳۴,۶۳۷)	۲۰ هزینه های اداری و عمومی
-	(۱۳۵,۳۳۲,۶۸۶,۷۹۹)	۲۱ هزینه های توزیع و فروش
(۴۳,۸۶۷,۷۱۶,۷۴۱)	(۸۹,۲۶۷,۳۲۵,۶۷۰)	۲۲ سایر هزینه های عملیاتی
(۱۶۷,۴۴۷,۷۴۴,۲۵۲)	(۴۶۳,۰۳۱,۱۴۷,۰۹۶)	
<b>۳۱۱,۷۷۸,۲۱۲,۸۱۷</b>	<b>۷,۴۷۵,۰۷۸,۴۱۸,۵۴۵</b>	<b>سود عملیاتی</b>

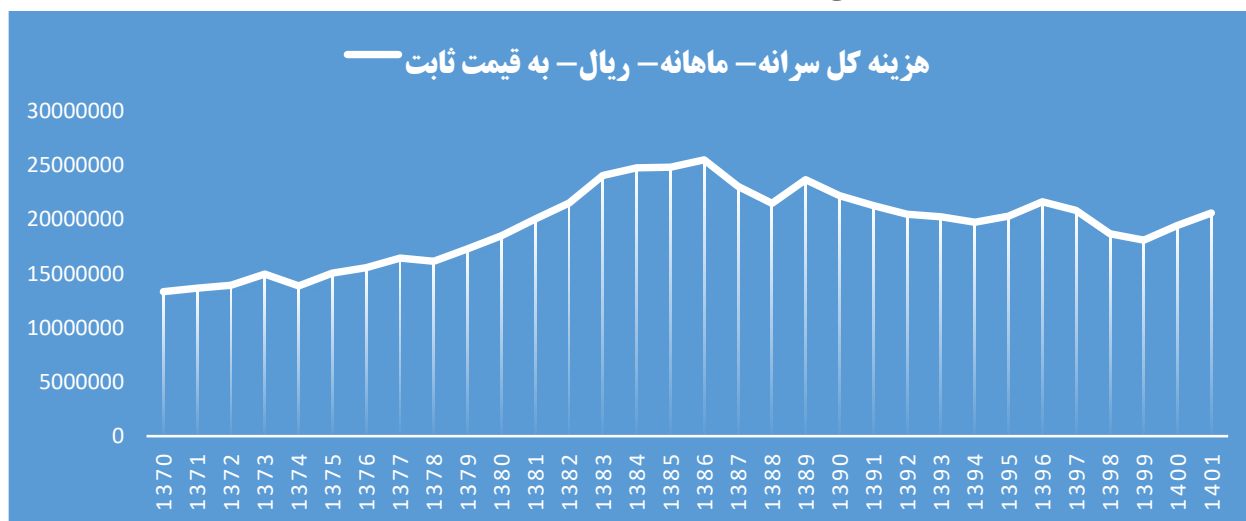
مقایسه صورت های مالی تمام پالایشگاه ها نشان می دهد سود عملیاتی آنها از سال 86 (بدون هیچگونه افزایش تولید یا بهره وری) و صرفا با جهانی فروشی محصولات به داخل، ناگهان بین 10 تا 30 برابر شده است.

لازم به توضیح است از سال 86 تاکنون هم خرید و هم فروش پالایشگاه ها، پتروشیمی ها و شرکت های معدنی به قیمت های دلاری جهانی شده، به این ترتیب که با بالا رفتن دلار یا قیمت های جهانی، سود ریالی آنها هم افزایش می یابد و به نوعی این شرکت ها ذینفع گرانی دلار شده اند.

علی ایحال با آغاز جهانی فروشی منابع ملی در داخل، اصطلاحی به نام **یارانه پنهان انرژی** رایج شد! حرف مدعیان این بود که چون دولت هنوز برق و دیگر فرآورده های اصلی (بنزین، گازوئیل و ...) را به قیمت تمام شده در داخل عرضه می کند اما قیمت های جهانی آنها (با احتساب نرخ ارز آزاد) هنوز بالا است، پس به نوعی ما داریم منابع ملی را هدر می دهیم و باید آن را نیز جهانی و گران کنیم تا هم مصرف و اسراف کم شود، هم جلوی قاچاق گرفته شود و هم بخشی از درآمد حاصل از گران سازی را به مردم فقیر، یارانه بدهیم تا عدالت برقرار شود! در تمام داده های رسمی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، سقوط درآمد و هزینه خانوار ایرانی و کاهش مصرف آنها از سال 1387 یعنی یکسال پس از آغاز جهانی سازی اقتصاد ملی ملاحظه می شود.



## کاهش درآمد و هزینه خانوار ایرانی از سال 1387



ماخذ: مرکز آمار ایران

### آغاز سیاست گران کن، یارانه بده!

با آغاز سال 1389 دولت دهم هدفمندی یارانه‌ها را با هدف جهانی‌سازی قیمت فرآورده‌های اصلی (بنزین، گازوئیل، گاز مایع و ...) و رساندن آنها به قیمت فوب خلیج فارس کلید زد. به‌رغم هشدارهای برخی مسئولین و کارشناسان کارگروه اقتصادی دولت، متاسفانه رئیس‌جمهور وقت توجهی به نظرات کارشناسی نکرد و با استدلال برقراری عدالت و کارایی با افزایش حدود ده برابری قیمت حامل‌های انرژی، یارانه نقدی به مردم پرداخت کرد. متاسفانه با آغاز تحریم‌ها و افزایش شدید قیمت ارز در بازار آزاد قاچاق ارز، آثار و تبعات این تصمیم اشتباه به سرعت ظاهر شد. با سیاست تعدیل اقتصادی، نرخ ارز که از کنترل دولت خارج و به بازار آزاد سپرده شده بود، روز به روز افزایش یافت.

با افزایش نرخ دلار، مواد اولیه تولید که به قیمت‌های جهانی در داخل فروخته می‌شدند ناگهان گران شده و کشور با موج دوم تورمی مواجه شد. گرچه با تفاهم برجام، اقتصاد ایران توانست در کوتاه مدت به مدد افزایش درآمدهای ارزی رشد اقتصادی 12 درصدی (سال 1395) را تجربه کند اما با خروج ترامپ و افزایش شدید نرخ ارز، موج سوم تورمی به راه افتاد و البته دولت یازدهم با تغییر نرخ تسعیر ارز (ترجیحی به نیمایی) در سال‌های 97 و به بعد، بر شدت افزایش تورم افزود. در اواسط سال 1397 که کشور به دلیل بازگشت تحریم‌ها دچار بحران شده بود، در یک اقدام عجیب وزیران دفاع، صمت، رفاه و نفت (ظاهراً بخاطر بهره‌مندی شرکت‌های بازنشستگی تابعه خود)، درخواست افزایش نرخ تسعیر ارز برای پالایشگاه‌های خصوصی زیر مجموعه خود را به رئیس‌جمهور وقت داده و خود در جلسه هیات دولت آن را تصویب کردند. این اتفاق عجیب اثرات منفی شدیدی بر تولید داخل و اقتصاد خانوار وارد ساخت. متن مصوبه هیات دولت برای افزایش نرخ تسعیر ارز پالایشگاه‌ها از ترجیحی به نیمایی یعنی فروش گرانتر فرآورده‌های ویژه در داخل کشور به شرح ذیل است:

۸۹۹۶۵ ت ۵۵۸۷۲ هـ

شماره.....

تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۹



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تصویب نامه هیئت وزیران

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

وزارت نفت- وزارت امور اقتصادی و دارایی  
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی  
وزارت صنعت، معدن و تجارت- سازمان برنامه و بودجه کشور  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۷/۷/۲۲ به پیشنهاد وزارت نفت و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد:

۱- از ابتدای آبان ماه سال ۱۳۹۷ نرخ تسعیر ارز برای محاسبه قیمت خوراک پالایشگاهها (نفت خام و میعانات گازی) و فرآوردههای تحویلی از پالایشگاهها به شرکت ملی پالایش و پخش فرآوردههای نفتی ایران (پنج فرآورده اصلی و سوخت هوایی)، برابر با متوسط ماهانه نرخ ارز در سامانه نیما خواهد بود.

۲- قیمت گذاری مواد اولیه قیر (VB) دریافتی از پالایشگاهها برای تحویل قیر رایگان موضوع بند (هـ) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور بر مبنای نرخ تسعیر دلار (۴۲٫۰۰۰) ریال و مابه التفاوت آن با متوسط ماهانه نرخ تسعیر مورد عمل در سامانه نیما با پالایشگاهها محاسبه خواهد شد.

۳- به منظور جلوگیری از تغییر نرخ روغن موتور و همچنین شویندهها، برش روغن (لوب کات) و نفت سفید تحویلی از پالایشگاهها به کارخانههای روغن سازی و کارخانههای تولید آلکیل بنزن خطی از نفت سفید (LAB)، بدون تأثیر تسعیر نرخ ارز بر مبنای نرخ تسعیر دلار (۴۲٫۰۰۰) ریال و مابه التفاوت آن با متوسط ماهانه نرخ تسعیر مورد عمل در سامانه نیما با پالایشگاهها محاسبه خواهد شد.

۴- نرخ تسعیر خوراک تحویلی از پالایشگاهها به شرکت های پتروشیمی داخلی بر مبنای متوسط ماهانه نرخ تسعیر مورد عمل در سامانه نیما خواهد بود.

۵- پالایشگاهها مجازند فرآوردههای ویژه خود را برای مصارف داخلی بر مبنای متوسط ماهانه نرخ تسعیر مورد عمل در سامانه نیما (به عنوان نرخ پایه) محاسبه یا مستقیماً صادر کنند.

تبصره- بازگشت ارز حاصل از صادرات فرآوردههای نفتی ویژه تابع مقررات عمومی مصوب خواهد بود.

افزایش نرخ تسعیر و به دنبال آن افزایش شدید قیمت مواد اولیه تولید در داخل، منجر به سودهای نجومی شرکت‌های پالایشی به قیمت کاهش قدرت خرید خانوار و افزایش هزینه‌های دولت شد؛ برای مثال همانطور که در شکل زیر می‌بینید با افزایش نرخ تسعیر از 3800 تومان در سال 1396 به نرخ نیمایی 25000 تومان در 1401 سود شرکت‌های پالایشی بیش از 250 هزار میلیارد تومان افزایش یافته، به این معنی که همین مقدار مبالغ با افزایش قیمت از دولت و مردم اخذ شده و به این شرکت‌ها منتقل شده است. در عین حال این سیاست هزینه‌های تولیدی را نیز به شدت افزایش داده است.

به دلیل آنکه تقریباً همه پالایشگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شده، دولت نیز به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده کشور، هزینه‌های جاری و عمرانی آن با افزایش نرخ ارز افزایش می‌یابد. این افزایش هزینه‌ها هم در نهایت به کسری و ناترازی بودجه دولت می‌انجامد.

سال ۱۳۹۶

$$2100000 \times 0.15 \times 159 \times 0.40 \times 3800 \times 365 = 27 \text{ همت}$$

سال ۱۴۰۱

$$2150000 \times 0.2 \times 159 \times 0.45 \times 25000 \times 365 = 281 \text{ همت}$$

پالایشگاه‌ها  
در روز خوراک

سهم فرآورده  
های ویژه

لیتر هر بشکه

میانگین قیمت فریب  
خطیج فارس

نرخ تسعیر ارز

روز

---

۲۵۴ همت

سود شرکت‌های پالایشی از محل فروش فرآورده‌های ویژه به قیمت‌های جهانی با تغییر تسعیر ارز 3800 به 25000 تومان بیش از 10 برابر شده و امسال رسیده به حدود 470 هزار میلیارد تومان!

برخلاف استدلال‌های مطرح شده در مورد بالا بودن مصرف انرژی در ایران که خود مبنایی برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی بوده است، طبق گزارشات رسمی بین‌المللی<sup>11</sup>، سرانه مصرف انرژی در ایران (مجموع سوخت‌ها شامل نفت، ذغال سنگ، گاز، برق نیروگاهی و هسته‌ای و غیره) از سرانه مصرف در کشورهایی همچون آمریکا، کانادا، آلمان، فرانسه، اتریش، بلژیک، فنلاند، ایسلند، هلند، نروژ، سوئد، روس، قزاقستان، ترکمنستان، قطر، عربستان، کویت، عمان، امارات، استرالیا، ژاپن، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی کمتر است.

<sup>11</sup> bp Statistical Review of World Energy 2022 | 71st edition, p:11

## پیوست 4:

### بندهای مهم از قوانین مصوب مجلس درباره ارز

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب 1392/10/03 همراه با اصلاحات الحاقی 1394/07/21 و 1400/11/10:

ماده ۲ مکرر :

الف: ورود ارز به کشور یا خروج ارز از کشور، بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود، قاچاق محسوب می‌شود.

پ: انجام معامله ارزی در کشور، تحت هر عنوان نظیر خرید، فروش، حواله، معاوضه یا صلح، مگر آنکه حداقل یکی از طرفین معامله، صرافی مجاز، بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی باشد. حکم این بند شامل مواردی است که در زمان انجام معامله، حداقل یکی از طرفین در کشور باشند.

ح: عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد صورتحساب خرید معتبر یا فاقد مجوز ورود توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا مؤسسه مالی - اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی ممنوع است. ورود ارز به کشور تا سقف تعیینی توسط بانک مرکزی از شمول این بند خارج است البته به شرط آنکه ارز وارداتی در مبادی ورودی ثبت شده باشد.

تبصره 2: منظور از صورتحساب خرید معتبر، رسید سامانه ارزی حاوی اطلاعاتی نظیر شناسه پیگیری، طرفین معامله، میزان و زمان انجام معامله است که شماره مسلسل ارزهای موضوع معامله نیز ضمیمه آن می‌باشد.

تبصره 3: بانک مرکزی مکلف است حداکثر سه ماه پس از لازم الاجراء شدن قانون دسترسی مستمر و بر خط صرافی‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری به سامانه ارزی را جهت ثبت معاملات با قابلیت وارد کردن اطلاعات مندرج در تبصره (۲) این ماده فراهم نماید.

ماده ۷- بانک مرکزی موظف است در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز اقدامات زیر را به عمل آورد:

تبصره ۲: دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند.

ماده ۱۸- هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی زیر محکوم می‌شود:

ب- کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا

ت (اصلاحی ۱۳۹۴، ۰۷، ۲۱)- ارز: جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دو برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی یا اقدام به خروج ارز، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن و در سایر موارد ضبط ارز انجام نشده و تنها معادل بهای ریالی ارز به عنوان جریمه نقدی اخذ می‌گردد. معیار محاسبه ارز برای تعیین بهای ریالی در این قانون، بهای ارز موضوع بند «د» ماده (۱) این قانون است و در صورتی که اصل وقوع قاچاق ارز و معادل ریالی کل ارز موضوع

قاچاق مشخص بوده، اما تفکیک نوع و میزان ارزشهای موضوع قاچاق مقدور نباشد، همان معادل ریالی کل ارز موضوع قاچاق مبنای تعیین مجازات است.

تبصره ۳- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است فهرست کالاهای مجاز مشروط را اعلام نماید.  
ماده ۱۸ مکرر(الحاقی ۲۱، ۰۷، ۱۳۹۴)- نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸) این قانون حسب مورد توسط واحدهای صنفی یا صرافی‌ها تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالا و ارز به ترتیب زیر جریمه می‌شود. (صرافی‌ها حق خرید ارز و سکه بدون رسید را نخواهند داشت)

ماده ۲۰- وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل کالا یا ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸) این قانون اعم از آبی، زمینی و هوایی توقیف و علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده مذکور، معادل ارزش وسیله نقلیه به جریمه نقدی حامل اضافه می‌شود. اگر ارزش وسیله نقلیه بیش از ارزش کالا یا ارز قاچاق باشد، به جای معادل ارزش وسیله نقلیه، معادل ارزش کالا یا ارز قاچاق به جریمه نقدی حامل اضافه می‌شود. اعمال مجازات موضوع این ماده و تبصره (۳) آن، در صورتی است که راننده و حامل عالمماً و عامداً مرتکب حمل کالا یا ارز قاچاق شده باشد و همچنین امکان مخالفت با انجام آن را داشته باشد.

ماده 53 تبصره ۴- دستگاه کاشف مکلف است ارز مکشوفه به ظن قاچاق را به حساب تعیین شده از سوی بانک مرکزی واریز نماید و پس از قطعیت حکم آن را به حساب ویژه خزانه داری کل کشور واریز کند. در صورتی که وجوه موضوع این تبصره از مصادیق قید شده در تبصره (۱) این ماده باشد، مطابق تبصره مذکور اقدام می‌شود.

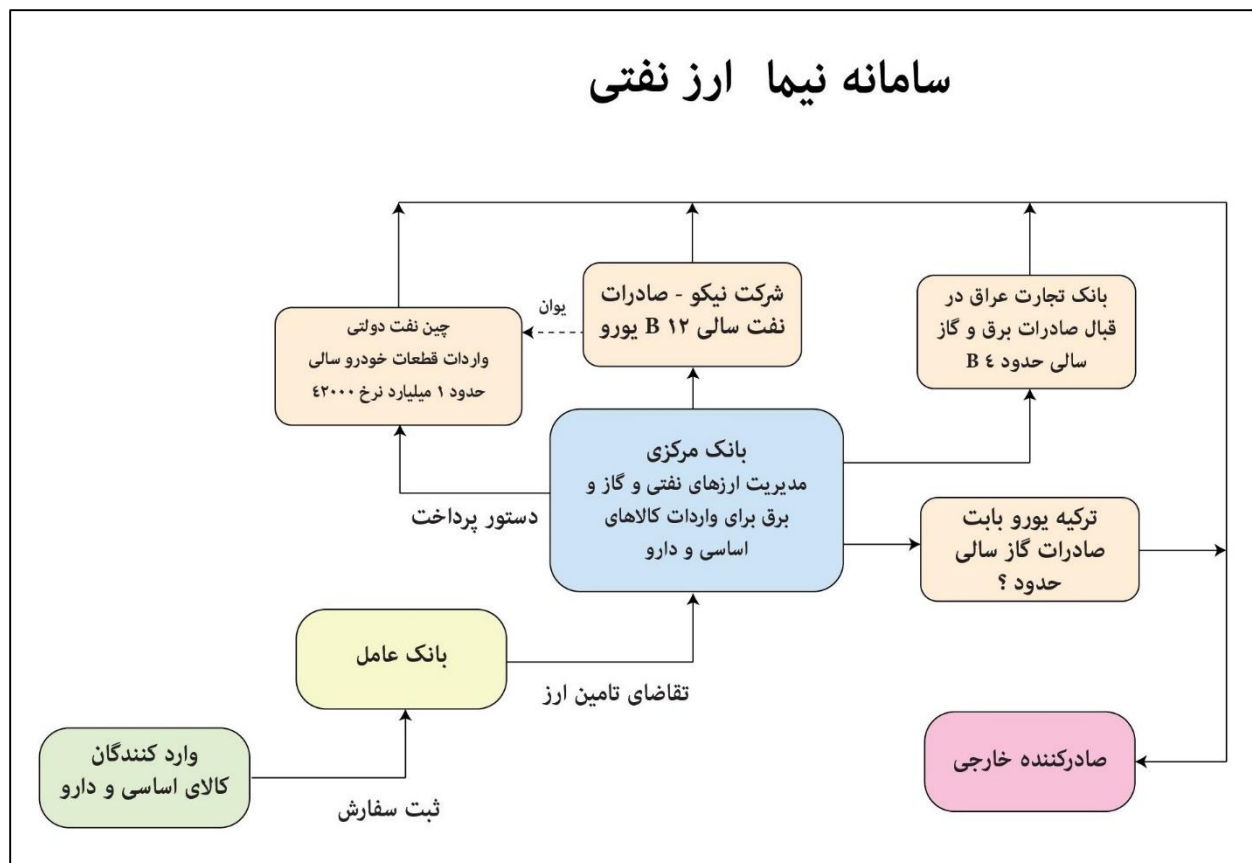
## پیوست 5

### اشراف بانک مرکزی بر جریان ارزی کشور

در حال حاضر در سامانه نیما دو نوع ارز فروخته می‌شود. یکی سامانه ارز نفتی است که در آن ارز حاصل از صادرات نفت با نرخ 28500 برای واردات نهاده‌ها، دارو و معدود کالاهای اساسی اختصاص یافته است. دیگری سامانه نیما 1 که در آن ارز پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها با نرخ حدود 40 هزار تومان به فروش می‌رسد و تقریباً مجزا از نیمای نفتی است.

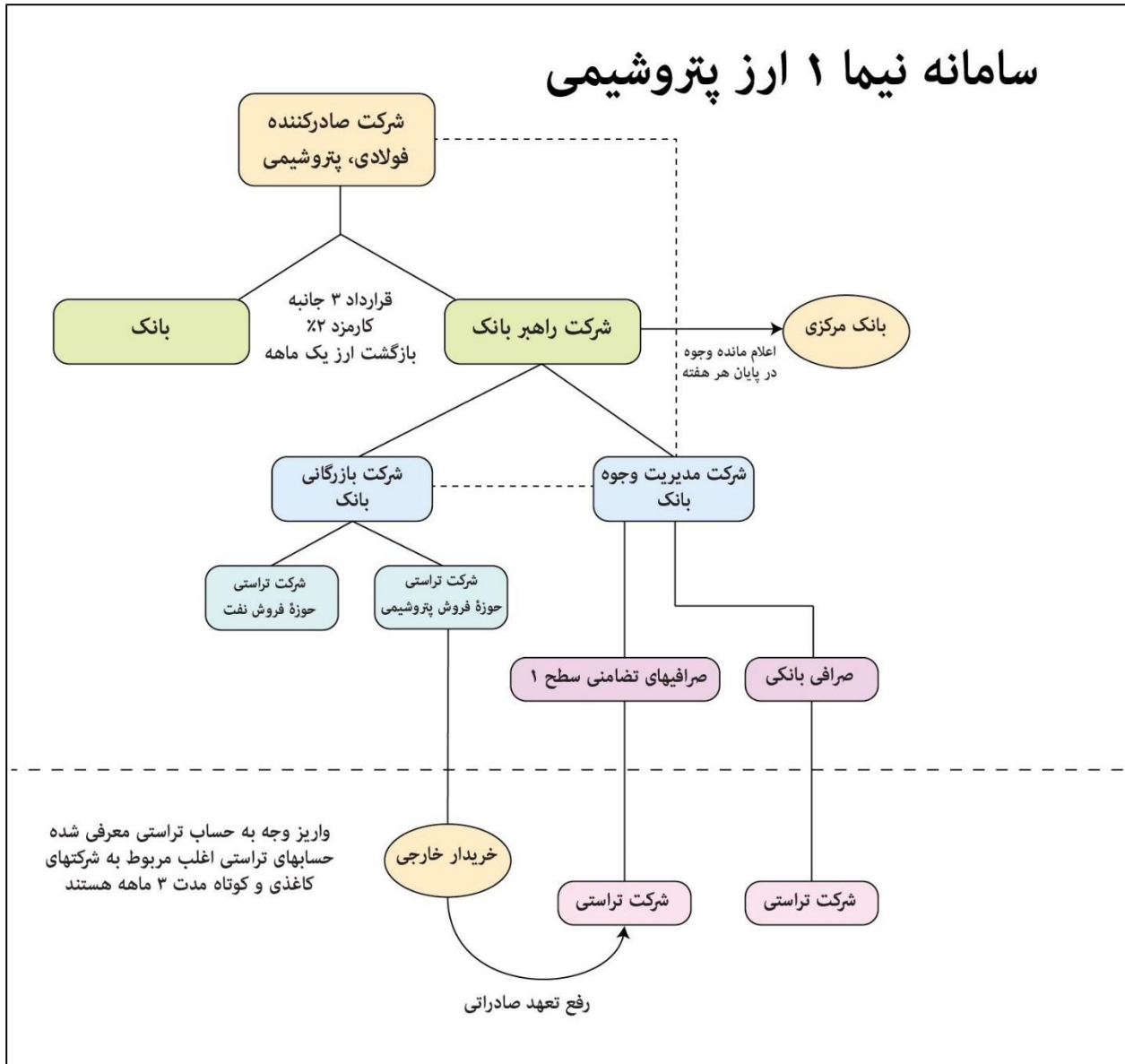
سامانه دیگری نیز وجود دارد که اخیراً بانک مرکزی برای پوشش خرید و فروش ارز اشخاص (حاصل از صادرات خرد) در مرکز مبادله ارز و سکه با هدف کشف نرخ با سیستم مچینگ (شبیه بورس) راه‌اندازی کرده است. هر کدام از سامانه‌ها تقریباً از یکدیگر مجزا هستند و تا زمانی ما تحریم هستیم، باید از همین زیرساخت صرافی‌ها استفاده کنیم و البته تغییرات جزئی در آنها باید داده شود؛ یعنی مثلاً در سامانه نیما 2 ارز اشخاص هم باید مثل

نیمای نفتی و نیما 1 پتروشیمی‌ها خرید و فروش با نرخ ثابت 28500 انجام شود و برای جلوگیری از لو رفتن حساب تراستی‌های نفتی و پتروشیمی همین حالت جداگانه خوب است و سامانه‌ها باید مجزا از یکدیگر کار کنند. البته این سامانه‌ها که نمودار کارکردی آنها در زیر آمده، توضیحاتی دارند که به دلایل امنیتی و محرمانگی اینجا باز نشده‌اند.



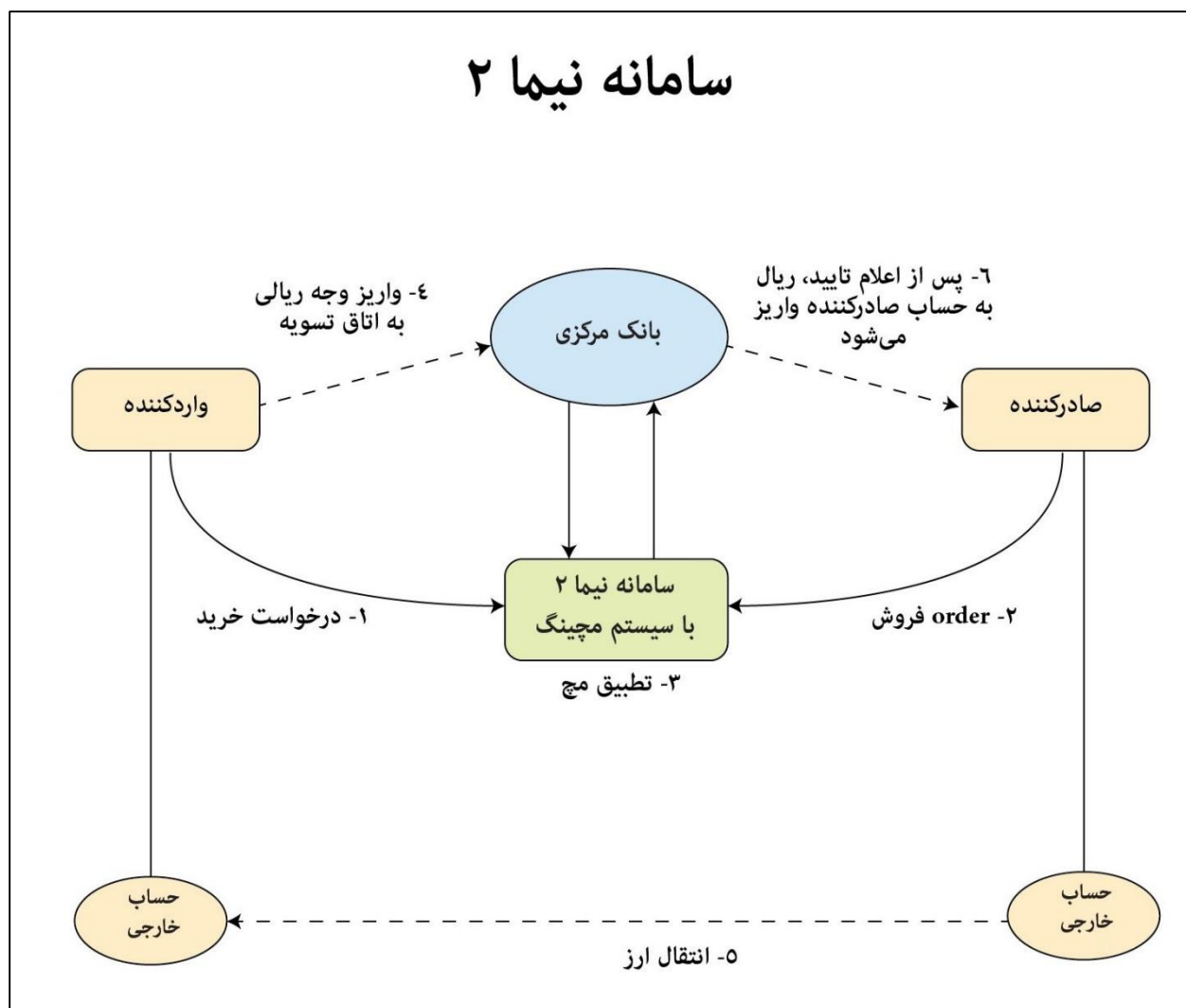
سامانه نیمای نفتی که در آن منابع ارزی حاصل از فروش نفت جهت واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی و دارو با نرخ دلاری 28500 تومان عرضه می‌شود.

## سامانه نیما ۱ ارز پتروشیمی



سامانه نیمای 1 که در آن ارزشهای حاصل از صادرات مواد پتروشیمی و فولادی با نرخ نیما 1 (حدود 42 هزار تومان) جهت واردات کالاهای سرمایه‌ای تخصیص می‌یابد.

## سامانه نیما ۲



سامانه نیما 2 که قرار است به زودی در مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی راه اندازی شود و در آن ارزشهای حاصل از صادرات خرد با نرخ توافقی (ارز اشخاص) انجام گیرد.

### پیوست 6

کتاب جعبه سیاه تضعیف ریال